



<https://ssoss.ui.ac.ir/?lang=en>

Strategic Research on Social Problems

E-ISSN: 3041-8623

Vol. 13, Issue 2, No.45, Summer 2024, pp. 69-92

Received: 01.02.2024 Accepted: 04.08.2024

Research Paper

Sociological Analysis of the Phenomenon of Honor Killing with the Social Interpretation Approach

Afshar Kabiri * 

Associate professor, Department of Sociology, Faculty of Literature and Humanities, Urmia University, Urmia, Iran
a.kabiri@urmia.ac.ir

Introduction:

Honor killings have emerged as a concerning social issue in recent years, drawing the attention of researchers, social experts, and legal professionals. Honor killings can be broadly defined as acts of violence or abuse committed to preserve the perceived honor of a family or community. These killings can be categorized into two main types: intra-family and extra-family. Intra-family honor killings refer to murders carried out by family members against other members of the same family, either alone or with the involvement of outsiders. This can include the killing of a wife, husband, child, or parent by other relatives. In contrast, extra-family honor killings are acts of retribution committed by the victim of a crime, such as rape, or by the victim's family, against the perpetrators. The complex and often tragic nature of honor killings has made them a subject of intense scrutiny and debate within academic, social, and legal spheres. Understanding the nuances and underlying sociocultural factors driving this phenomenon is crucial for developing effective interventions and policies to address this pressing issue.

Materials and Methods

This study employed a qualitative research methodology. The study population consisted of 18 incarcerated individuals, who had committed acts of murder - 16 men and 2 women. Purposive sampling was used to select the participants. The research was conducted in West Azerbaijan Province and the data were collected through semi-structured, in-depth interviews.

For the data analysis, a coding and data organization approach based on the CHARMS framework was utilized. This allowed the researchers to systematically analyze the interview transcripts and identify key themes and insights from the participants' firsthand experiences and perspectives on committing acts of honor-related violence.

The qualitative design and targeted sampling of individuals directly involved in honor killings provided an in-depth, contextual understanding of this complex social phenomenon. The use of semi-structured interviews facilitated a rich exploration of the motivations, decision-making processes, and sociocultural factors underlying honor-based crimes from the perpetrators' own narratives. Overall, the methodological approach enabled a nuanced, evidence-based investigation of

the honor killing issue within the specific geographic and cultural setting of West Azerbaijan Province.

Discussion of Results & Conclusion

The sociological interpretivist approach, with its emphasis on social constructionism, posits that social actors play a central role in constructing and reconstructing their social realities. From this perspective, honor killings can be understood as conscious attempts by individuals and groups to defend family honor and traditional social order in the face of modernization and changing lifestyles.

Honor killings are a complex, multifaceted phenomenon rooted in various sociocultural dimensions. They are more prevalent in traditional, transitional societies where informal social controls and a collective sense of honor serve as a de facto "punitive law" to restore the perceived honor of the family as the dominant social unit. In these contexts, honor killings function as a technique of social control, with women's sexuality and social behavior being key markers of communal honor. In societies undergoing the shift from tradition to modernity, honor killings often arise from the conflict and tension between the forces of traditional

*Corresponding author

Kabiri, A. (2024). Sociological analysis of the phenomenon of honor killing with the social interpretation approach. *Strategic Research on Social Problems*, 13(2), 69-92. <https://doi.org/10.22108/srsp.2024.140587.1970>

3041-8623/ © University of Isfahan

This is an open access article under the CC BY-NC-ND/4.0/ License (<https://creativecommons.org/licenses/by-nc-nd/4.0/>).



<https://doi.org/10.22108/srsp.2024.140587.1970>

solidarity and the forces of modern individualism. This "cultural lag" between the realms of family and individual creates a dissonance that can culminate in honor-based violence as groups with ethnic, tribal, or local subcultures struggle to maintain their customs and norms in the face of modernizing influences. The findings of this study identified 35 primary concepts, 6 secondary concepts, (including structural determinants, intra-group order, introduction of modern elements, weakening of traditions, externalization, and the conflict between the individual and society), and 4 core conceptual categories (the family's traditional order, changing lifestyles, the modern family outside the traditional order, and the pursuit of illegitimate opportunities). The

overarching theoretical category that emerges is "conflict in the new family system" - the "cultural lag" in the family sphere that fuels honor-based violence. Understanding the complex, multifaceted nature of honor killings through a sociological, interpretivist lens is crucial for developing effective interventions and policies to address this persistent social issue. Recognizing the interplay between tradition, modernity, and the evolving dynamics of the family can inform more nuanced, context-sensitive approaches to preventing and responding to honor-based crimes.

Keywords: Honor Killing, Family, Modernity, Cultural Lag, Social Interpretationism.



پژوهش‌های راهبردی مسائل اجتماعی
سال سیزدهم، شماره پیاپی (۴۵)، شماره دوم، تابستان ۱۴۰۳، ص ۶۹-۹۲
تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۱/۱۲ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۵/۱۴

مقاله پژوهشی

تحلیل جامعه‌شناختی پدیده قتل ناموسی با رویکرد تفسیرگرایی اجتماعی

افشار کبیری^{id*} دانشیار گروه جامعه‌شناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ارومیه، ارومیه، ایران

a.kabiri@urmia.ac.ir

چکیده

مطالعه حاضر، پدیده قتل ناموسی را با استفاده از رویکرد تفسیرگرایی اجتماعی تحلیل می‌کند. رویکرد تفسیرگرایی اجتماعی با تأکید بر بینش برساخت‌گرایانه اجتماعی، بر این باور است که کنشگران اجتماعی نقش اصلی در ساخت و بازسازی زندگی اجتماعی خود دارند و به‌گونه‌ای بازاندیشانه و آگاهانه در برابر محیط و تغییرات آن می‌اندیشیدند و عمل می‌کنند. قتل ناموسی تلاشی برای دفاع از ناموس و شرف خانوادگی و محافظت از زندگی اجتماعی محلی و سنتی از طریق انتظام درون‌گروهی مبتنی بر کنترل‌های اجتماعی غیررسمی در پاسخ به تغییرات و تحولات خانواده و تغییرات سبک زندگی، تحت تأثیر مدرنیته در گذار اجتماعی، به‌عنوان کنشی برای رهایی از فشارهای درونی فردی و بیرونی اجتماعی، فهم و تفسیر می‌شود. روش پژوهش حاضر، کیفی است، جامعه آماری آن نیز در بر گیرنده ۱۸ نفر قاتل در زندان شامل ۱۶ مرد و ۲ زن و افرادی است که تجربه ارتکاب قتل داشتند. همچنین برای انتخاب نمونه هم، از نمونه‌گیری هدفمند استفاده شده است. قلمروی جغرافیایی پژوهش، استان آذربایجان غربی بوده و از تکنیک مصاحبه عمیق نیمه‌ساخت‌یافته برای گردآوری داده‌ها استفاده شده است. برای تحلیل داده‌ها و ارائه مدل، از روش نظریه زمینه‌یابی با رویکرد ساخت‌گرای چارمز^۱ (۲۰۰۶) استفاده شده است. یافته‌های به دست آمده شامل ۳۵ مفهوم به‌عنوان کدهای اولیه، ۶ مفهوم ثانویه شامل تعیین‌های ساختاری، انتظام درون‌گروهی، ورود عناصر مدرنیته، تضعیف سنت‌ها، برون فرهنگ‌یابی و تقابل فرد و جامعه و ۴ مفهوم اصلی به‌عنوان کدهای کانونی خانواده سنت بنیاد درون انتظام، تغییرات سبک زندگی، خانواده مدرن برون انتظام و برخورداری از فرصت‌های نامشروع است که مقوله هسته یا نظری این بررسی «تعارض در نظام جدید خانواده (تأخر فرهنگی در حوزه خانواده)» است که مقولات عمده فوق را در بر می‌گیرد.

واژه‌های کلیدی: قتل ناموسی، خانواده، مدرنیته، تأخر فرهنگی، تفسیرگرایی اجتماعی.

* نویسنده مسئول

کبیری، افشار. (۱۴۰۳). تحلیل جامعه‌شناختی پدیده قتل ناموسی با رویکرد تفسیرگرایی اجتماعی. پژوهش‌های راهبردی مسائل اجتماعی، ۱۳(۲)، ۶۹-۹۲.

<https://doi.org/10.22108/srsp.2024.140587.1970>



3041-8623/ © University of Isfahan

This is an open access article under the CC BY-NC-ND/4.0/ License (<https://creativecommons.org/licenses/by-nc-nd/4.0/>).

¹ Charmaz



<https://doi.org/10.22108/srsp.2024.140587.1970>

مقدمه و بیان مسئله

قتل ناموسی یا قتل به سبب شرف، یکی از مسائل اجتماعی است که در سال‌های اخیر، توجه پژوهشگران و صاحب‌نظران اجتماعی و حقوقی را به خود جلب کرده و مباحث مختلفی را در سطح ملی و بین‌المللی در پی داشته است (Heydari et al., 2021). قتل ناموسی برای اولین بار با اصطلاح زن‌کشی از سوی راسل و رادفورد^۱ (1992) ابداع و معرفی شد. او زن‌کشی را قتل زن‌ستیزانه زنان از طریق مردان تعریف و اشاره می‌کند که شکل‌های مختلفی دارد و در بستر فرهنگی و زمینه اجتماعی شکل می‌گیرد و تغییر می‌کند. در بین همه قتل‌ها، پدیده قتل‌های ناموسی اهمیت ویژه‌ای دارد؛ زیرا از یک طرف در تاریخ و فرهنگ بشریت ریشه دارد و از طرف دیگر، قاتل رابطه بسیار نزدیکی با مقتول دارد که ممکن است گاهی اوقات بدون یک دلیل منطقی، یک مدرک مستند، حتی یک شایعه بی‌اساس و یک حدس و گمان بی‌پایه، یکی از افراد مؤنث خانواده از سوی نزدیکانش (پدر، برادر، شوهر و دیگر نزدیکان) به قتل برسد.

برخی از پژوهشگران، قتل ناموسی را شکل خاصی از زن‌کشی می‌دانند که در آن قتل یک زن از سوی یکی از اعضا یا اعضای خانواده او انجام می‌شود و رفتار اجتماعی او را به طور کلی و رفتار جنسی‌اش را به طور خاص تأیید نمی‌کنند. این گزاره شاید درست باشد که در بیشتر مواقع زن‌ها، قربانیان قتل‌های ناموسی‌اند، البته پسران و مردان نیز قربانی قتل ناموسی می‌شوند، اما با این حال، در مقایسه با زن‌کشی کمتر رایج است (Kulwicki, 2002).

قتل ناموسی هر نوع خشونت یا سوء استفاده‌ای تعریف می‌شود که برای محافظت از ناموس یک خانواده یا جامعه انجام می‌شود. در یک تقسیم‌بندی کلی، قتل‌های ناموسی به دو دسته درون‌خانوادگی و برون‌خانوادگی تقسیم می‌شود. قتل‌های درون‌خانوادگی شامل به قتل رساندن فرد یا افرادی از اعضای خانواده از سوی دیگر اعضای همان خانواده، به تنهایی یا با مشارکت افراد بیگانه است. زن‌کشی، شوهرکشی،

فرزندکشی و والدین‌کشی، از انواع قتل‌های درون‌خانوادگی‌اند، اما قتل‌های برون‌خانوادگی شامل قتل‌هایی‌اند که با انگیزه انتقام‌جویی از متجاوزان به نوامیس و از سوی فرد مورد تجاوز قرار گرفته یا خانواده او انجام می‌شوند (محدثی و ابراهیمی، ۱۳۹۸).

قتل ناموسی، پدیده‌ای جهانی است و در همه کشورها و در همه گروه‌های اجتماعی، اقتصادی، مذهبی و فرهنگی رخ می‌دهد و با وجود تغییر و تحولات اجتماعی و اقتصادی در سطح جهان، نه تنها پدیده قتل کاهش نیافته است، روزبه‌روز بر دامنه آن افزوده می‌شود (جاهد، ۱۳۹۰: ۱۱۱) و در بسیاری از کشورها از جمله آلمان، ایتالیا، هلند، ایران، ترکیه، افغانستان، پاکستان، عراق، عربستان سعودی، مصر، فلسطین، اردن، بنگلادش، الجزایر، برزیل، اکوادور، مراکش، اتیوپی، سومالی، اوگاندا، بالکان، سودان، یمن و هند رخ می‌دهد (جوانمرد و همکاران، ۱۳۹۹). براساس آخرین آمار منتشرشده از طرف سازمان ملل، سالانه چیزی حدود ۵۰۰۰ قتل ناموسی در جهان و بیشتر در جنوب آسیا، شمال آفریقا و خاورمیانه رخ می‌دهند. هرچند محدوده وقوع این جنایات به بخش جغرافیایی خاصی منحصر نمی‌شود، اما گستردگی آن در برخی کشورها بیشتر به چشم می‌خورد (ریاحی و اسماعیلی، ۱۳۹۷: ۵۳).

این مسئله در ایران هم یکی از معضلاتی است که سال‌های سال به عنوان یک رفتار خشونت‌آمیز در مناطقی از کشور رایج است، به طوری که شایع‌ترین قتل‌ها در ایران، به مسئله جنسی و ناموسی مربوط می‌شود که ۲۰ درصد قتل‌ها و ۵۰ درصد قتل‌های خانوادگی را شامل می‌شود. بیشترین نسبت قتل در ایران را زنان به خود اختصاص داده‌اند (عبدی، ۱۳۶۷: ۴۲-۴۳). اگرچه آمار دقیقی از میزان وقوع آن در کل کشور در دست نیست؛ زیرا بسیاری از این قتل‌ها، گزارش نمی‌شوند یا به صورت مفقودی، خودکشی و فوت‌های مشکوک اعلام می‌شوند. با وجود نبود آمار دقیق از میزان قتل‌های ناموسی، براساس گزارش‌های منتشرشده طی سال‌های اخیر و آمار موجود در پزشکی قانونی، پلیس آگاهی فراجا و دادگستری، حکایت از روند صعودی آمار قتل‌های ناموسی در کشور دارد،

¹ Russell & Radford

روان‌شناسان و قضات مرتبط با پرونده‌های قتل در دادگستری استان، نشان داد که بین قتل‌های ناموسی و مؤلفه‌های اقتصادی و فرهنگی، رابطه مثبت و معنادار، ولی با عوامل اجتماعی، رابطه نسبتاً ضعیفی وجود دارد.

ایزی (۱۳۹۴) در پژوهشی با عنوان «به تحلیل جامعه‌شناختی عوامل مؤثر بر قتل‌های خانوادگی و همسرکشی»، بر رویکرد تلفیقی و چندعاملی و با استفاده از تکنیک فراتحلیل تأکید کرده است که نتایج آن نشان می‌دهد متغیرهای زمینه‌ای مانند سن، جنس، تحصیلات و محل سکونت، بر همسرکشی تأثیرگذار است. داشتن سابقه خشونت در دوران کودکی و سن پایین ازدواج، از عوامل دیگر تأثیرگذار بود. همچنین بین زنان و مردان از نظر میزان و نحوه همسرکشی تفاوت وجود دارد.

ریاحی و اسماعیلی (۱۳۹۷)، جامعه‌شناختی نگرش به قتل‌های ناموسی را در شهر مریوان، با روش پیمایش بررسی کرده‌اند. هدف اصلی این پژوهش، بررسی تأثیر هم‌زمان ساختارهای اجتماعی و فرآیندهای یادگیری بر نگرش نسبت به قتل‌های ناموسی بود. نتایج تحقیق حاکی از آن است که ۱۹٫۴ درصد از پاسخ‌دهندگان نسبت به قتل‌های ناموسی نگرش مثبت دارند، در حالی که نگرش ۳۸٫۲ درصد منفی بوده است. علاوه بر این، نتایج تحلیلی نشان داد که متغیرهای یادگیری اجتماعی، قوی‌ترین و مهم‌ترین پیش‌بینی‌کننده نگرش نسبت به قتل‌های ناموسی‌اند. در میان عوامل ساختاری، متغیرهایی مانند احساس نابرابری جنسیتی، پذیرش باورهای مردسالارانه و دین‌داری، مهم‌ترین متغیرهای پیش‌بینی‌کننده نگرش نسبت به قتل‌های ناموسی‌اند.

کرمی و همکاران (۱۳۹۸) در تحقیقی، جامعه‌شناختی پدیده قتل‌های ناموسی را در استان خوزستان بررسی کرده‌اند. این پژوهش با استفاده از روش توصیفی - پیمایشی انجام شد. جامعه آماری تحقیق افرادی بودند که طی سال‌های ۱۳۹۰-۹۴ به‌منظور قتل ناموسی یا معاونت در آن، پرونده کیفری داشته‌اند. ابزار گردآوری داده‌ها پرسش‌نامه محقق ساخته بود. یافته‌های پژوهش حاکی از آن بود که در بین قاتلان، متغیرهای وابستگی قبیله‌ای، پایگاه اجتماعی و خرده‌فرهنگ

البته این آمار در برخی استان‌ها و مناطق کشورمان نظیر استان‌های سیستان و بلوچستان، خوزستان، کردستان، کرمانشاه، ایلام، لرستان، آذربایجان غربی و هرمزگان که از فرهنگ عشیره‌ای و بافتار اجتماعی خاص قومی و قبیله‌ای برخوردارند، بیشتر از دیگر مناطق کشور به چشم می‌خورد (ریاحی و اسماعیلی، ۱۳۹۷: ۵۴). استان آذربایجان غربی در مقایسه با دیگر استان‌های کشور، در رتبه دهم کشوری قرار دارد و توزیع پدیده در سطح استان نیز یکنواخت نیست و در سال‌های اخیر، فراوانی قتل‌های ناموسی در شهرستان‌های ارومیه، خوی، میاندوآب و سردشت در مقایسه با دیگر نقاط استان بالاست. مرور آمارهای قتل و روند تغییرات آن در استان در ۱۰ سال اخیر، نشان می‌دهد که از کل قتل‌های استان، حدود ۴۸ درصد مربوط به قتل‌های ناموسی و روند صعودی آن بر مسئله‌مندی موضوع افزوده است (آمار پزشکی قانونی کشور، ۱۴۰۲). بنابراین با وجود آمار تأمل‌شدنی، سهم قتل‌های ناموسی از کل قتل‌های اتفاق افتاده، با توجه به اینکه پدیده قتل آثار و پیامدهای سوئی در سطح خرد، خانواده در سطح میانی و جامعه در سطح کلان دارد و عوارض این پدیده در جامعه نیز شیوع می‌یابد و آن را به‌سوی مشکلات و آسیب‌های عدیده‌ای سوق می‌دهد، بررسی مسئله فوق از اهمیت و ضرورت خاصی برخوردار است و به تأمل‌های نظری و تجربی نیاز دارد. بنابراین پژوهش حاضر درصدد است تا به این پرسش اساسی پاسخ دهد که مکانیزم علی و شرایط علی تأثیرگذار بر شکل‌گیری پدیده قتل از نظر خود قاتلان کدام‌اند (خودتفسیری)؟ به عبارت دیگر چه تفسیری از اقدام خود دارند؟

پیشینه تجربی تحقیق

تحقیقات داخلی

مطالعات و پژوهش‌های مختلفی در ارتباط با قتل‌های ناموسی در سطح داخلی و خارجی انجام شده است که در ادامه به برخی از آنها اشاره می‌شود.

صابر (۱۳۹۶) در پژوهشی با عنوان «بررسی قتل‌های ناموسی در شهرستان ایلام»، با جامعه آماری کارشناسان،

خشونت، نگرش نسبت به زنان و حمایت شیوخ از قاتلان، با نگرش آنان نسبت به قتل‌های ناموسی در استان خوزستان مرتبط است.

دلاور و کوهزادیان (۱۳۹۸) در تحقیقی با عنوان «تحلیل مقایسه‌ای و اولویت‌بندی عوامل مؤثر بر قتل‌های ناموسی»، دیگر قتل‌ها را در استان‌های خوزستان، ایلام و کرمانشاه بررسی کرده است. نتایج نشان داد مؤلفه‌های فقر فرهنگی، آداب و رسوم قبیله‌ای، تعصب قبیله‌ای و ناموسی، نظارت اجتماعی شدید بر زنان، ساختار خشن جامعه سنتی، فرهنگ پدرسالاری و ازدواج اجباری، از مؤثرترین عوامل ارتکاب قتل‌های ناموسی در مقایسه با دیگر قتل‌هاست.

جوانمرد و همکاران (۱۳۹۹)، نگرش روستاییان را نسبت به عوامل اجتماعی و فرهنگی مؤثر بر قتل‌های ناموسی در اردبیل، با استفاده از روش کمی بررسی کرده‌اند. یافته‌ها نشان داد بین تعصب اجتماعی، جمع‌گرایی، حساسیت به ناموس، نگرش مردسالارانه، انزوای اجتماعی، فقر اجتماعی، فقر فرهنگی و اقتصادی با قتل‌های ناموسی رابطه معناداری وجود دارد و قتل‌های ناموسی بیشتر متأثر از فقر اجتماعی است.

مهدوی و همکاران (۱۴۰۲) در تحقیقی از نظر فقه و سیاست کیفری ایران، قتل‌های ناموسی را بررسی کرده‌اند. پژوهش آنها به لحاظ روش توصیفی-تحلیلی بوده و با استفاده از روش کتابخانه‌ای انجام شده است. یافته‌ها حاکی از آن است که نوع و میزان مجازات تعیین‌شده برای عاملان قتل‌های ناموسی که با معاذیر مخففه همراه است، از مهم‌ترین تأثیرات قوانین کیفری در افزایش میزان وقوع این نوع قتل‌هاست. از این رو بازنگری مجدد این احکام و مقررات قانونی، تأثیر فراوانی در بهبود نحوه برخورد و مواجهه با قتل‌های ناموسی و مرتکبان آنها دارد. از طرفی، باید فرهنگ حمایت و حفاظت از زنان و کودکان در جامعه، از طریق نهادهای آموزشی مانند مدارس و رسانه‌ها تقویت شود.

مقدسی و روستایی (۱۴۰۳) قتل‌های ناموسی را از نظر حقوقی مطالعه و با رویکرد تطبیقی، به بازنمایی آن در نظام‌های کیفری غربی، اسلامی و ایران روی آورده‌اند.

مطالعات تطبیقی نشان می‌دهد در نظام‌های کیفری، تدابیر مختلفی برای کاهش آمار این قتل‌ها اتخاذ شده است که قوانین موجود به صورت تسهیل‌کننده، تجویزکننده و منفعلانه در وقوع این قتل‌ها دسته‌بندی می‌شود، در حالی که در نظام‌های غربی مانند انگلستان، آمریکا و آلمان، تمرکز بر کاهش دامنه پذیرش دفاع فرهنگی است و نظام‌های اسلامی مانند پاکستان و اردن نیز بر حذف قوانین تسهیلگر و تشدید مجازات‌ها تأکید دارند. در ایران، تدابیر اختصاصی برای مقابله با این گونه قتل‌ها، که ناشی از به رسمیت نشناختن آن در دسته مجزایی از موارد عمومی قتل است، وجود ندارد.

تحقیقات خارجی

نتایج پژوهش سور و یورداکل^۱ (۲۰۰۱) با عنوان «تغییرات فرهنگی و تحلیلی فمینیستی از قتل ناموسی» نشان می‌دهد که ساختار اجتماعی، سنت پرستی، خانواده‌گرایی و اقتدارگرایی از عوامل دخیل در مسئله قتل ناموسی‌اند.

بوستون^۲ (۲۰۰۳) نیز در مطالعه خود با عنوان قتل ناموسی در فلسطین، نشان داد مسئله‌های طایفه‌ای، فقدان حقوق لازم برای زنان، باورهای فرهنگی و اجتماعی، انزوای محلی و هنجارهای جامعه در این مسئله، دخیل‌اند.

براندن و هافز^۳ (۲۰۰۸) در مطالعات خود، قتل ناموسی را جرمی فاش‌شده می‌دانند. از نظر آنان ناموس مفهومی جامع و بسیار پیچیده است و در جوامع مختلف برحسب هنجارهای فرهنگی، تعاریف گوناگونی از آن می‌شود.

نصرالله و همکاران^۴ (۲۰۰۹)، پژوهشی را درباره شیوع قتل‌های ناموسی در پاکستان انجام داده‌اند که یافته‌ها نشان می‌دهد از زمان‌های بسیار قدیم در پاکستان، قتل زنان از قبیل سوزاندن، خفه‌کردن، سنگسارکردن در دید عموم و آزار و اذیت، به قتل در بین مردم منجر می‌شده است. همچنین متغیرهای اجتماعی - فرهنگی از جمله هنجار جامعه، آبروی اجتماعی، داغ‌نگ، ازدواج به انتخاب خود دختر، فرار از منزل،

¹ Sev'er and Yurdakul

² Bostan

³ Brandon & Hafez

⁴ Nasrullah et al.

قتل‌های ناموسی روند تکراری داشته باشند که این مسئله از مشروعیت فرهنگی- اجتماعی نیز برخوردار است. این مطالعه تأیید می‌کند که قتل‌های ناموسی در هاریانا، از مقبولیت و حمایت بیشتری از سوی خانواده، بستگان و جامعه برخوردار است. نتایج این تحقیق نشان داد که برخی علل از جمله فرار دختران، ازدواج‌های پنهانی پذیرفته نشده و افشای آنی، روابط جنسی مشکل را تشدید می‌کند و به قتل دختران، پسران یا زوج‌ها منجر می‌شود. در بیش از ۲۵ درصد موارد، قتل‌های ناموسی نوعی جنایات احساسات برانگیخته شده است که از طریق تحریک ناگهانی انجام می‌شود.

حسینی و باساواراجو^۶ (2016) در مطالعه‌ای با عنوان «مطالعه قتل ناموسی در هند»، علل و راهکارهایی را بررسی کرده‌اند که نتایج نشان داده است به قتل رساندن دیگری برای پاسخ به عکس‌العمل اجتماع، نوعی راهکار برای مقابله با جرم‌هاست؛ این مسئله در جامعه سنتی بیشتر نمود دارد.

دهیمن و تانیا^۷ (2017) در تحقیقی با عنوان «نه به قتل ناموسی: یک تحلیل حقوقی - اجتماعی از پدیده قتل ناموسی»، نشان دادند که در جوامع در حال توسعه، زن‌کشی یکی از راه‌های پاسخ به عصیت اجتماعی است. این عمل بیانگر تأثیر ساختارهای اجتماعی و مسئله فرهنگ و نظام هنجاری در جهت‌دهی به کنش‌هاست. معمولاً هنجارها، زنان و جنس مؤنث را قربانی اهداف خود می‌کند.

فلاتلی^۸ (2017) در تحقیقی با عنوان «جرم در انگلستان و ولز: جرم علیه زنان و بزرگسالان و...» به نتایجی چون گذر جوامع از سنتی به مدرن و میزان جرم تلقی شدن آن دست یافتند که این موضوع، مسئله‌های ناموسی را کاهش داده و تا حدی هنجارهای اجتماعی را در مواجهه با مسئله‌های اخلاقی و ناموسی معطف کرده است.

سینگ^۹ (2017) در تحقیقی با عنوان «قتل‌های ناموسی در هند: نیازمند یک چارچوب حقوقی دقیق و ترکیبی»، به نتایجی دست یافتند که وجود سرمایه اجتماعی درون‌گروهی، گاهی

نقص قوانین ایل و جامعه و سرپیچی از دستورات اعضای خانواده، از عوامل عمده قتل‌های ناموسی در جامعه پاکستان است.

ابولگود^۱ (2011) در تحقیقی با عنوان «کاهش جرم‌های ناموسی»، نشان داد جرم‌های ناموسی بیشتر درباره زنان اجرا می‌شود و این نوعی نابرابری در فضای اجتماعی است.

پژوهش زاموت^۲ (2014) با عنوان «جرم‌های ناموسی در خاورمیانه»، نشان می‌دهد که مردان، کشتن زنان به‌ویژه خواهر، دختر و زن خود را برای زدودن داغ ننگ امری ضروری می‌دانند و آن را جرمی سنگین در آیین خود تلقی می‌کنند. جرم تلقی نشدن قتل ناموسی در اقدام به آن در عراق، اردن و پاکستان تأثیر گذاشته است.

ماروگنانتان^۳ (2014) پژوهشی با عنوان «خطر قتل‌های ناموسی در هند»، نشان می‌دهد که درون‌گروهی بودن ازدواج، ممنوع بودن ازدواج با برون‌گروه، فقر اقتصادی، فقر فرهنگی، فقدان تحرک اجتماعی، محصور بودن در عقاید سنتی، علل قتل‌های ناموسی در نظام کاستی هند است.

پژوهش دیگری که سینگال^۴ (2014) با عنوان «قتل ناموسی در هند» انجام داده است، نشان می‌دهد قتل ناموسی مسئله فرهنگی و اجتماعی است و عواملی نظیر جنسیت، فقدان آگاهی اجتماعی، سنت‌گرایی، استفاده نکردن از رسانه و عصیت در وقوع آن دخیل‌اند.

ساتنام سینگ دئول^۵ (2014) در تحقیقی با عنوان «قتل‌های ناموسی در ایالت هاریانای هند»، نشان داد که تحمل نکردن اعضای خانواده نسبت به روابط قبل از ازدواج و روابط زناشویی دخترانشان، به‌ویژه نسبت به ازدواج‌های بین کاستی و بین مذهبی، به خشونت‌های مبتنی بر ناموس منجر می‌شود. حاکمیت سلطه مردسالار به دختران اجازه نمی‌دهد روابط قبل از ازدواج برقرار و یا مردانی را برای ازدواج خود انتخاب کنند. حمایت جامعه و نرمش قانون باعث شده است که

¹ Abu-Lughod

² Zaumot

³ Muruganathan

⁴ Singhal

⁵ Satnam Singh Deol

⁶ Hosseini & Basavaraju

⁷ Dhiman & Tania

⁸ Flatley

⁹ Singh

تأثیر مثبتی بر انسجام و امنیت جامعه می‌گذارد و باعث ایجاد ترس در بین بقیه افرادی می‌شود که دست به کارهای غیراخلاقی می‌زنند.

حیدری و همکاران^۴ (2021) در تحقیقی با عنوان «قتل ناموسی به‌عنوان جنبه تاریک مدرنیته: رواج، گفتمان‌های رایج و دیدگاه انتقادی»، به این نتیجه دست یافتند که قتل ناموسی از پیامدهای منفی مدرنیته و مشکلی است که در طول فرآیند مدرنیزاسیون تشدید شده است. قتل ناموسی در جوامعی اتفاق می‌افتد که هم از فرآیندهای توزیعی و رویه‌ای قدرت دولتی به حاشیه رانده شده و هم در عین حال براساس نظام ارزشی فردگرایانه مدرن، به آنها انگ زده‌اند. به حاشیه راندن و انگ سیستماتیک گروه‌های اجتماعی، آنها را بیشتر گروه‌محور و متکی به قوانین ناموسی محلی و به سهم خود، جرائم ناموسی را تشدید می‌کند.

القحطانی و همکاران^۵ (2022) در پژوهشی با عنوان «قتل‌های ناموسی در منطقه مدیترانه شرقی»، مسئله قتل ناموسی را یک جنایت خشونت‌آمیز با هدف، بازگرداندن ناموس و شرف به خانواده در منطقه مدیترانه شرقی دانسته و آن را از لحاظ روایی، تحلیل کرده‌اند. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که عوامل متعدد اجتماعی و فرهنگی، از قبیل سلطه پدرسالارانه، تمایل به حفظ موقعیت اجتماعی از سوی مردان و پایین‌بودن تحصیلات، تلقی مالکیت نسبت به زن و رواج فرهنگ سکوت در جامعه و قانون در بروز این پدیده تأثیرگذارند.

مروری بر تحقیقات داخلی و خارجی نشان می‌دهد که پدیده قتل ناموسی از دیدگاه‌های متفاوتی، بررسی شده است و به‌لحاظ جغرافیایی، عمدتاً تحقیقات متمرکز بر منطقه مدیترانه شرقی، غرب و جنوب آسیا بوده و این مسئله در این منطقه جغرافیایی و در بافتار خاص اجتماعی، مذهبی، و قومی رایج است. اما با وجود جدی‌بودن این مسئله در منطقه غرب و شمال غرب جامعه ایران، قتل‌های ناموسی در پژوهش‌های

آثار منفی دارد و از نوع سرمایه اجتماعی منفی محسوب می‌شود؛ مانند نظام هنجاری طایفه‌ای، خویشاوندی و جمع‌گرایانه که فردیت را از بین می‌برند و رفتارهای فردجویانه را منع می‌کنند؛ برای نمونه، رفتارهای اخلاقی فردی که از سوی زنان در اجتماع ناپسند شمرده می‌شود.

دایان^۱ (2019) در تحقیقی از نظر جامعه‌شناختی، نقش وضعیت اجتماعی-اقتصادی پایین و مدرنیزاسیون سریع را در بروز پدیده قتل‌های ناموسی زنان در میان زیرگروه‌های مختلف عرب در فلسطین، به‌استثنای (کرانه باختری، غزه و بیت‌المقدس شرقی) طی یک دوره ۶ ساله (۲۰۱۰-۲۰۱۵) بررسی کرده است. این تحقیق با استفاده از تحلیل ثانویه داده‌های ۵۸ نمونه قتل ناموسی اجرا شده است. با وجود تعداد کم موارد و ماهیت اکتشافی و آزمایشی تحقیق، یافته‌های تجربی، همبستگی بین فراوانی قتل ناموسی زنان و عوامل اجتماعی مانند فقر، وضعیت اقتصادی پایین و مدرنیزاسیون سریع را تأیید کردند.

یامین^۲ (2019) در مقاله‌ای با عنوان «دیدگاهی جامعه‌شناختی از قتل ناموسی در هند»، مسئله قتل ناموسی را در ایالت اوتارپراداش بررسی کرده است. این پژوهش با استفاده از تکنیک تاریخی و رویکرد کیفی اجرا شده است. یافته‌های تحقیق حاکی از آن است که قتل ناموسی به‌دلیل حکمرانی ضعیف، اجراشدن قوانین مناسب، موانع اجتماعی و فرهنگی و وابستگی مردم به هنجارهای سنتی و فرهنگی، به افزایش آن منجر شده است.

شبیر^۳ (2019) در پژوهشی، به تحلیلی جامعه‌شناختی از پذیرش اجتماعی قتل ناموسی در روستاهای پنجاب از دیدگاه‌های اعضای «پانچایت» در پاکستان روی آورده است. این مطالعه به روش کمی انجام شده است. نتایج این تحقیق نشان داد که فشار ارزش‌های خانواده و هنجارهای محلی حاکم بر مناطق محلی، این امر را الزامی می‌کند. همچنین تصور نادرستی دیگری وجود دارد که مردم معتقدند این کار،

¹ Dayan

² Yamin

³ Shabbir

⁴ Heydari et al.

⁵ AlQahtani et al.

در برابر محیط و تغییرات آن می‌اندیشیدند و عمل می‌کنند. مطابق فهم جامعه‌شناختی تفسیری یا تفسیرگرایی اجتماعی، رفتارهای انسان نه در خلأ، در زمینه و بستر فرهنگی و اجتماعی شکل می‌گیرند، معانی تولیدشده به بستر وابسته است و در درون آن معنا دار می‌شود و در فهم رفتارهای اجتماعی و ضداجتماعی به ما کمک می‌کند (صادقی فسایی، ۱۳۹۳: ۱۹۸).

از نظر هربرت مید^۱ (۱۹۳۴)، رفتار تمام انسان‌ها برای آنها یک وجه اجتماعی اساسی دارد. تجربه و رفتار فرد همواره جزئی از یک کل یا فرایند اجتماعی بزرگ‌تر است، به عبارت دیگر سازمان‌دهی تجربه و رفتار انسان یعنی جامعه (دیلینی، ۱۳۸۲: ۲۶۹). هربرت مید (۱۹۳۴) معتقد است کنش، عملی است که فرد در موقعیت اجتماعی با استفاده از تجربه‌های زیسته خود و آگاهی اجتماعی که در فرایند زندگی روزمره کسب کرده است، دست به تفسیر و تحلیل عمل‌گرایانه و پراگماتیستی از موقعیت اجتماعی می‌زند و کنشی دارد که حتی در صورت تکراری بودن و الگوپردازی از کنش‌های موجود در جامعه، یک تصمیم آگاهانه به شمار می‌رود (ریترز، ۱۳۹۱: ۲۹۸). اما زمانی که تعصب وارد دیالکتیک ذهنیت و عینیت می‌شود، کنشگر در موقعیت اجتماعی، که عنصر عینی بازننگری خود برای ایفای کنش اجتماعی است، در برابر عناصر ذهنی قرار می‌گیرد، تعصب‌های جنسیتی، قومی و فرهنگی بر همه اجزای آن سایه می‌افکند و کنشگر را از بازننگری باز می‌دارد.

دورکیم^۲ (۱۹۹۷) چشم‌انداز دیگری را درباره موقعیت و چگونگی پیدایش شرایط کنش اجتماعی به روی ما باز می‌کند. به نظر او مبنای نظم اجتماعی جامعه، عامل اخلاقی است. جامعه مجموعه‌ای کمی از افراد منفرد نیست، واقعیت کیفی یگانه‌ای است. وجدان جمعی^۳ یا مجموع اعتقادات و

دقیق علمی، کمتر بررسی شده است و کمبود پژوهش‌های جامعه‌شناختی (تجربی و میدانی) در این زمینه مشهود است؛ به‌طوری که بیشتر کارهای انجام‌شده یا با رویکرد کمی، توصیفی و غیرتجربی (بدون رجوع به واقعیت‌های اجتماعی) و یا گاه مطبوعاتی و شتاب‌زده بوده‌اند. از سوی دیگر، با اینکه پژوهش‌های خارجی با وجود پراکندگی گستره جغرافیایی و مکانی وسیع، در فضای فرهنگی و اجتماعی متفاوت با جامعه ایرانی اجرا شده‌اند، کاربرد و تعمیم نتایج به‌سادگی امکان‌پذیر به نظر نمی‌رسد. در کنار این موارد، نکته دیگری که ضرورت اجرای چنین پژوهشی را به‌لحاظ روش‌شناختی برجسته می‌کند، لزوم به‌کارگیری رویکرد تفسیرگرایی اجتماعی، در بررسی اثر هم‌زمان عوامل خرد (فهم و تفسیر فردی) و کلان (موقعیت اجتماعی) به‌منظور فهم دقیق‌تر قتل‌های ناموسی است.

چارچوب مفهومی

با توجه به پیچیدگی قتل، هر محقق می‌کوشد با تکیه بر ترجیحات نظری خود، چارچوب مفهومی را برای توضیح قتل فراهم کند. بی‌تردید هریک از رویکردهای نظری انتخابی، قوت‌ها و ضعف‌های خود را دارند (Brookman, 2005: 307). با توجه به اینکه قتل یک برساخت اجتماعی است و موجودیتی یکپارچه و یک شکل به اسم جرم یا قتل وجود ندارد، آنچه در کار کیفی اهمیت می‌یابد، دیدگاه سوژه و درک و تصور سوژه از دنیای اجتماعی است که در آن زندگی می‌کند. در تحقیق حاضر، از رویکرد تفسیرگرایی اجتماعی برای تدوین چارچوب مفهومی استفاده شده است.

براساس رویکرد تفسیرگرایی اجتماعی، با توجه به خلاق بودن ماهیت انسان و نیز سیال بودن واقعیت اجتماعی، مسیر و روش خاصی برای درک واقعیت اجتماعی پیشنهاد نمی‌شود (Blakie, 2007 Neuman, 2006)؛ محمدپور و همکاران، ۱۳۸۸). رویکرد تفسیرگرایی اجتماعی با تأکید بر بینش برساخت‌گرایانه اجتماعی، بر این باور است که کنشگران اجتماعی نقش اصلی در ساخت و بازسازی زندگی اجتماعی خود دارند و به‌گونه‌ای بازاندیشانه و آگاهانه

^۱ Herbert Mead

^۲ Durkheim

^۳. وجدان جمعی مصداقی از واقعیت اجتماعی غیرمادی و عبارت است از: مجموعه تمام تصورات فردی از وجدان که در سطح اجتماعی وجود دارد و از عوامل تعیین‌کننده انتظارات فرهنگی در رفتار افراد است.

احساسات مشترک در میانگین افراد یک جامعه به وجود می‌آید که بر عقل منفرد افراد مسلط‌اند و جامعه با نظم و متعادل، وحدت اخلاقی دارد. حرکت اصلی جامعه، حرکتی از همبستگی ساده مکانیکی به همبستگی پیچیده ارگانیکی است (بشیریه، ۱۳۸۷: ۴۸). وجدان جمعی جوامع در این گذار، از حالتی خشن، تنبیهی و عمدتاً فراگیر، به حالتی منعطف و فردی حرکت کرده است. در جوامع ابتدایی، وجدان جمعی خشن، شدید و انعطاف‌ناپذیر و فراگیر بود، قوانین مربوط به این سطح از وجدان، معمولاً خصلتی سرکوبگرانه دارند و قانون‌شکنان به شدت مجازات می‌شوند (قوانین تنبیهی). در جوامع مدرن، وجدان جمعی نرم‌تر، متعادل‌تر در اعمال مجازات، ملایم‌تر و به لحاظ فراگیری، محدودتر از جوامع ابتدایی است.

اساسی‌ترین مفهوم دورکیم (1997) در توضیح حرکت جامعه بی‌هنجاری یا ضعف معیارهای اخلاقی (آنومی) است که نمونه بارز آن سرگشتگی و حیران افراد در تعارض سنت و مدرنیته است که در بروز هنجارشکنی و آسیب‌های اجتماعی تجلی دارد. او معتقد است توسعه جامعه و رشد شهرنشینی از یک سو باعث کاهش انسجام اجتماعی مردم (درجه‌ای که مردم به شبکه‌های اجتماعی مربوط می‌شوند) و از سوی دیگر، باعث کاهش تنظیم اجتماعی می‌شود (درجه‌ای که امیال و آرزوهایشان با جامعه کنترل می‌شود)؛ در نتیجه، جامعه دچار آشفتگی و ضعف همبستگی اجتماعی می‌شود و زمینه را برای بروز هرگونه آسیب اجتماعی (از جمله پدیده قتل ناموسی) مهیا می‌کند. بنابراین براساس دیدگاه دورکیم (1997)، جامعه همواره دستخوش کشاکش و تضاد بین نیروهای همبستگی (وجدان جمعی) و نیروهای از هم گسستگی (تنوع و تقسیم کار فزاینده) یا به عبارتی بین سنت و مدرنیته است. در جوامع سنتی، پیوند مستحکمی که افراد به سبب همسانی در باورها و عقاید ارزش‌ها می‌یابند، دستیابی به اجماع در آنها چندان دشوار نیست. در جوامع مدرن که مشخصه آن همبستگی ارگانیکی است، انسجام اجتماعی بر مبنای وابستگی افراد به یکدیگر، با وجود فردگرایی استوار است.

قتل ناموسی، متغیری چندوجهی است که با ابعاد مختلفی در ارتباط است و احتمال وقوع آن در جوامع سنتی و در حال گذار بیشتر است. بنابراین قتل ناموسی عمدتاً در برخی جوامع سنتی، واکنش وجدان جمعی جامع در قالب کنترل اجتماعی غیررسمی، یک قانون تنبیهی برای برگرداندن شرف و ناموس به خانواده و به عنوان واحد اجتماعی مسلط رخ می‌دهد. در این شرایط، قتل ناموسی باید یک تکنیک کنترل اجتماعی و انسجام اعمال‌شده در جوامع به هم پیوسته باشد و این‌گونه درک شود که تمایلات جنسی و رفتارهای اجتماعی زنان در آن، ارزش‌های کلیدی اجتماعی دارد. در برخی از جوامع که در شرایط گذار از سنت به مدرنیته قرار دارند، قتل‌های ناموسی در بستر تضاد و کشمکش نیروهای همبستگی سنتی و نیروهای گسستگی مدرن رخ می‌دهد که دنبال باور و سبک زندگی خود عمل می‌کنند. این تضاد سنت و مدرنیته با عنوان تأخر فرهنگی بیان می‌شود. قتل ناموسی به دلیل تحقق نیافتن همبستگی ارگانیکی و مدرنیته‌شدن گروه‌هایی از جامعه، از خرده‌فرهنگ‌های قومی-قبیله‌ای و محلی برخوردار است.

براساس این رویکرد، قتل ناموسی تلاشی برای دفاع از ناموس و شرف خانوادگی و محافظت از زندگی اجتماعی محلی و سنتی از طریق انتظام درون‌گروهی مبتنی بر کنترل‌های اجتماعی غیررسمی، در پاسخ به تغییرات و تحولات ساختاری خانواده و تغییرات سبک زندگی تحت تأثیر مدرنیته در گذار اجتماعی است و به عنوان کنشی برای رهایی از فشارهای درونی فردی و بیرونی اجتماعی فهم و تفسیر می‌شود.

روش پژوهش

این پژوهش براساس پارادایم تفسیرگرایی اجتماعی، با استفاده از استراتژی استقرایی و روش نظریه زمینه‌یابی انجام شده است. جامعه آماری پژوهش، در برگیرنده افرادی است که تجربه ارتکاب قتل داشتند. همچنین برای انتخاب نمونه، از نمونه‌گیری هدفمند استفاده شده است. قلمروی جغرافیایی پژوهش، استان آذربایجان غربی بوده و از تکنیک مصاحبه عمیق نیمه‌ساخت‌یافته برای گردآوری داده‌ها استفاده شده

ارزیابی و اجرای مصاحبه، متشکل از یک نفر متخصص در حوزه روان‌شناسی و یک نفر در حوزه مددکاری اجتماعی و ارزیابی و اجماع‌سازی از طریق مصاحبه‌های موازی و سر مفاهیم و مقولات تعیین‌شده بهره گرفته شده است (Golafshni, 2003; Rao & Perry, 2003).

یافته‌های تجربی

یافته‌های توصیفی

در این بخش با توجه به مصاحبه‌های عمیق، درباره ویژگی‌های مجرمان، قربانیان و حادثه جرمی بحث می‌شود. نقطه شروع، ویژگی‌های جمعیتی-اجتماعی قاتلان و قربانیان آنهاست که براساس جنس، سن، تحصیلات، قومیت، شیوه قتل، نوع قتل، طبقه اجتماعی و... قاتل و قربانی گزارش می‌شود.

است. هدف اصلی، عمدتاً دستیابی به تفسیرها و معانی بود که پاسخگویان به واسطه آن کنش خود را توصیف می‌کردند. هر مصاحبه به‌طور متوسط بین ۶۰ تا ۹۰ دقیقه به طول انجامید. برای تحلیل داده‌ها نیز از روش کدگذاری و تنظیم داده‌های ساخت‌گرای چارمز (2006) استفاده شده است. «در رهیافت ساخت‌گرایانه، سه مرحله برای کدگذاری داده‌ها مشخص شده است. در گام نخست، پژوهشگر به کدگذاری اولیه و طبقه‌بندی داده‌ها اقدام می‌کند؛ دومین سطح اصلی کدگذاری، کدگذاری میانی یا متمرکز یا کانونی نام دارد؛ مرحله سوم کدگذاری در رهیافت ساخت‌گرایانه، سطح پیچیده‌ای از کدگذاری است که کدگذاری نظری نام‌گذاری شده است» (سلمان‌پور سهی و همکاران، ۱۴۰۰: ۶۲۴).

برای اعتباربخشی به داده‌ها با استفاده از مؤلفه‌های پیشنهادشده از سوی لینکلن و گوبا^۱ (1985)، از اطمینان‌پذیری^۲، اصالت^۳، انتقال‌پذیری^۴، اتکاپذیری^۵ و تأییدپذیری^۶ استفاده شده است. با توجه به ویژگی‌های نمونه مطالعه‌شده و حساسیت موضوع، ضمن طراحی چارچوب مصاحبه سعی شد فرصت بیشتری برای گفت‌وگو بین پرسشگر و پاسخگو فراهم شود و از تکنیک تثلیث، نظیر استفاده از منابع تأییدگر، محققان و روش‌های متعدد در طی فرایند گردآوری و تحلیل داده‌ها با مراجعه به پرونده‌های قتل در دادگستری و مصاحبه‌های انجام‌شده در پلیس آگاهی، برای بهره‌مندی از اطلاعات دقیق موازی بهره گرفته شد (Andreas, 2003).

برای پایایی داده‌ها از قابلیت وابستگی استفاده شده است. لینکلن و گوبا (1985) معتقدند که قابلیت وابستگی در تحقیقات کیفی، با پایایی در تحقیقات کمی مطابقت دارد. برای پایایی ضمن بهره‌گیری از چارچوب مصاحبه، فرایند منظمی برای هدایت دقیق مصاحبه و ثبت داده‌ها و نوشتن و تفسیر و کدگذاری آنها، با تشکیل کمیته‌ای از متخصصان برای

¹ Lincoln and Guba

² Credibility

³ Autenticity

⁴ Transferability

⁵ Dependability

⁶ Confirmability

جدول ۱- مشخصات پاسخگویان و مصاحبه‌شوندگان

Table 1- Details of respondents and interviewees

کد	سن	جنس	تحصیلات	قومیت	شیوه قتل	مقتول یا مقتولان	نسبت با قاتل	نوع قتل
۱	۳۰	مرد	دیپلم	آذری	سلاح گرم	زن ۲۵ ساله	همسر	ناموسی
۲	۲۹	مرد	ابتدایی	کردی	سلاح گرم	زن ۱۸ ساله	همسر	ناموسی
۳	۴۲	مرد	ابتدایی	کردی	خفگی	زن ۱۸ ساله	دختر	ناموسی
۴	۴۶	مرد	ابتدایی	کردی	سلاح سرد	زن ۲۰ ساله	دختر	ناموسی
۵	۳۹	مرد	ابتدایی	آذری	سنگ	زن ۱۶ ساله	بدون نسبت	ناموسی
۶	۲۹	مرد	لیسانس	آذری	سلاح سرد	مرد ۴۸ ساله	فامیل	ناموسی
۷	۳۰	مرد	دیپلم	کردی	سلاح گرم	مرد ۲۹ ساله	پسرعمو	ناموسی
۸	۴۹	مرد	راهنمایی	آذری	سلاح گرم	زن ۳۸ ساله	همسر	ناموسی
۹	۴۹	مرد	راهنمایی	آذری	سلاح گرم	زن ۲۹ ساله	خواهرزاده همسر	ناموسی
۱۰	۴۹	مرد	راهنمایی	آذری	سلاح گرم	زن ۵ ساله	دختر	ناموسی
۱۱	۳۲	مرد	بی‌سواد	کردی	چوب	مرد ۴۲ ساله	بدون نسبت	ناموسی
۱۲	۴۸	مرد	ابتدایی	آذری	سلاح سرد	مرد ۴۵ ساله	باجناب	ناموسی
۱۳	۳۹	زن	دیپلم	آذری	سلاح سرد	مرد ۴۵ ساله	همسر	ناموسی
۱۴	۲۶	مرد	سیکل	کردی	سلاح گرم	مرد ۲۴ ساله	بدون نسبت	ناموسی
۱۵	۳۵	مرد	ابتدایی	آذری	سلاح سرد	زن ۳۸ ساله	دوست	ناموسی
۱۶	۳۹	مرد	بی‌سواد	کردی	خفگی	زن ۱۸ ساله	دختر	ناموسی
۱۷	۳۷	زن	بی‌سواد	کردی	خفگی	زن ۱۸ ساله	دختر	ناموسی
۱۸	۱۵	مرد	ابتدایی	کردی	خفگی	زن ۱۹ ساله	خواهر	ناموسی

جنس قربانی: از مجموع قتل‌های ناموسی، یعنی از مجموع

شده است. در این تحقیق، بیشترین فراوانی مربوط به گروه سنی ۱۹ تا ۳۰ سال بوده است؛ بنابراین قتل موضوع افراد جوانی است که معمولاً بالاتر از ۱۸ سال دارند. البته فقط یک نفر از قاتلان، زیر ۱۸ سال داشت.

۱۸ فقره قتل بررسی شده، تعداد ۱۲ فقره آن را مقتولان زن و ۶ فقره آن را مقتولان مرد تشکیل داده‌اند.

ترکیب سنی: بسیاری از آمارها در دنیا و در ایران نشان می‌دهند که پدیده قتل به‌ندرت از سوی افراد نوجوان انجام

جدول ۲- توزیع فراوانی پاسخگویان براساس سن

Table 2- Frequency distribution of respondents based on age

ردیف	گروه سنی	فراوانی	درصد
۱	زیر ۱۸ سال	۱	۴٪
۲	۱۹ تا ۳۰ سال	۸	۴۲٪
۳	۳۱ تا ۴۰ سال	۵	۳۰٪
۴	۴۱ تا ۵۰ سال	۴	۲۴٪
	جمع کل	۱۸	۱۰۰٪

طبقه اجتماعی: اگرچه برای تعیین طبقه اجتماعی قاتلان و

قربانیان آنها، با مشکلات خاصی روبه‌رویم، با توجه به

خودش را دارد.

آلت قتاله استفاده‌شده: انتخاب آلت قتاله از سوی پاسخگویان، تحت تأثیر عوامل مختلفی چون انگیزه قاتل، برنامه قبلی، نوع اختلاف، جنسیت، سابقه فرد، ویژگی‌های قربانی و در دسترس بودن آلت قتاله تعیین می‌شود، به‌طوری که آلت قتاله برحسب نوع قتل متفاوت است، بیشترین روش کشتن و آلت قتاله در قتل‌های ناموسی، به ترتیب استفاده از سلاح گرم با ۴۶ درصد، سلاح سرد اعم از چاقو و تبر ۲۹ درصد و دیگر روش‌های قتل اعم از کتک‌زدن و خفه‌کردن و ... با ۲۵ درصد است، در قتل‌های خانوادگی غیر ناموسی، بیشترین قتل‌ها با استفاده از سلاح سرد با ۵۶ درصد، سلاح گرم با ۳۳ درصد و دیگر روش‌های قتل ۱۱ درصد بوده است. شایان ذکر است در قتل‌های ناموسی که عمدتاً با طرح و برنامه قبلی بوده است، معمولاً قاتل و مقتول همدیگر را از قبل می‌شناسند و عمدتاً از سلاح گرم استفاده شده است.

نسبت قاتل با قربانی: با توجه به ماهیت این نوع قتل‌ها، بیشتر قاتلان با قربانی خود روابط خانوادگی، خویشاوندی داشته‌اند و از کل پاسخگویان، فقط ۳ نفر با قربانی خود آشنایی قبلی نداشته و قتل در یک زمینه مواجهه‌ای و با انگیزه خشم و جاه‌طلبی در زمینه غیراخلاقی شکل گرفته است. سوءسابقه کیفری: با توجه به یافته‌های توصیفی، حدود ۲۰ درصد پاسخگویان در کلانتری یا مراجع قضایی سابقه داشتند و بیشترین نوع سابقه آنها درگیری، قاچاق، فروش و مصرف مواد مخدر است.

سابقه اعتیاد و مشروبات الکلی: از کل پاسخگویان، تعداد ۱۴ نفر سابقه استفاده از مواد مخدر و الکلی را داشته‌اند، بیشترین موارد استفاده‌شده در حین ارتکاب قتل، شیشه و مشروبات الکلی بوده است و پاسخگویان یکی از علل اساسی ارتکاب قتل را استفاده از این مواد ذکر می‌کردند.

یافته‌های تحلیلی

در تحقیقات کیفی، جمع‌آوری داده‌ها و تحلیل آنها به‌صورت هم‌زمان انجام می‌شود. بازخوانی مصاحبه‌ها و رفت و برگشت

متغیرهایی چون موقعیت اقتصادی، شغلی و تحصیلی قاتل، تصویری از طبقه اجتماعی آنها را نشان می‌دهیم. درمجموع کل مصاحبه‌شونده‌ها، به‌عنوان قاتل در این پژوهش، با توجه به شاخص‌های لحاظ‌شده برای سنجش طبقه اجتماعی، در طبقه پایین قرار می‌گیرند. در این تحقیق برای شناسایی وضعیت طبقه اجتماعی افراد، سه شاخص تحصیلات، وضعیت اشتغال و محل سکونت افراد مدنظر قرار گرفت.

وضعیت تحصیلی: از کل پاسخگویان این تحقیق، فقط یک نفر مدرک لیسانس داشت و بقیه پاسخگویان یا دیپلم داشته و یا به‌نوعی ترک تحصیل کرده‌اند. بی‌سوادی، کم‌سوادی، افت تحصیلی و نداشتن موفقیت تحصیلی، ازجمله ریسک‌فاکتورهای مهمی است که آغازکننده شرایط نامناسبی در زندگی اجتماعی افراد است و معمولاً مشکلاتی را به‌لحاظ ادخال و ادغام اجتماعی برای کنشگران، به‌خصوص در دوران گذار از وضعیت سنتی به جامعه مدرن و مدیریت نظام خانوادگی و مسائل آن به وجود می‌آورد.

وضعیت اشتغال: یافته‌های این تحقیق نیز نشان می‌دهد که بیشتر پاسخگویان فاقد مشاغل ثابت و بیشتر در کارهای غیرمجاز، نیمه‌وقت و بی‌ثبات مشغول بودند. همچنین تعدادی از آنها نیز ازطریق خرید و فروش مشروبات یا مواد مخدر امرار معاش می‌کردند و یا به‌لحاظ مالی و درآمد شغلی، وضعیت مناسبی نداشتند.

محل سکونت: یکی از ریسک‌فاکتورهای جدی، زندگی در محلات کم‌برخوردار، حاشیه‌نشین یا جرم‌خیز و محلاتی است که در حاشیه شهر شکل گرفته‌اند و به‌دلیل تنوع قومی و فرهنگی، بستر مناسبی برای هنجارشکنی‌اند و ارتکاب به جرم و کج‌روی در آن به‌صورت بخشی از زندگی روزمره درآمده است. به عبارت دیگر خرده‌فرهنگ مجرمانه بر این محلات غلبه یافته است و بسیاری از رفتارهای ضداجتماعی، مطابق خرده‌فرهنگ‌های جرمی غالب، زرنگی محسوب می‌شود. بسیاری از پاسخگویان بارها به این مطلب اشاره کردند که مطابق با رویه‌های فرهنگی، عمل کرده‌اند که با آن مأنوس بوده‌اند و نحوه زندگی در محل زندگی آنها، اقتضائات خاص

مصاحبه‌ها و کدگذاری باز، محوری و انتخابی آنها ظاهر شده‌اند. در زیر سعی می‌شود تا با توجه به سؤالات محوری و تم‌هایی که در تحقیق ظاهر شدند، پدیده قتل توضیح داده شود. یافته‌های به دست آمده شامل ۳۵ مفهوم اولیه، ۶ مفهوم اصلی، ۴ مقوله عمده و یک مقوله هسته به این شرح‌اند.

دائمی به‌سوی آنها، زمینه گمانه‌زنی نظری را فراهم می‌کند و این امکان را به وجود می‌آورد تا داده‌ها حول محورهای خاصی تنظیم شوند. اگرچه بخشی از محورهایی که مطالب حول آنها تنظیم شده است، از ابتدای کار با عنوان سؤالات کلی تحقیق، اساس دیالوگ میان پژوهشگر و پاسخگویان بوده است، بخش دیگر، عمدتاً تم‌های جدیدی‌اند که در فرایند بازخوانی متن

جدول ۳- مفاهیم و مقولات عمده و مقوله هسته استخراج شده از داده‌های کیفی

Table 3- Concepts and major categories and the core category extracted from qualitative data

مفاهیم	مفاهیم	مقولات عمده	مقوله هسته
(کدگذاری باز سطح اول)	(کدگذاری باز سطح دوم)		
فقر فرهنگی، فقر اقتصادی، تحصیلات پایین، مردسالاری، فقر آموزشی، خرده‌فرهنگ سنتی (تعصب‌های قومی و فرهنگی با رنگ و بوی جنسیتی)، جبر اجتماعی	تعیین ساختاری	پایداری ساختارهای نظام مردسالارانه	
ازدواج تنظیم‌شده ناهمساز، خرده‌فرهنگ قومی، عصبیت اجتماعی، کودک‌همسری، سختی طلاق، حس مالکیت به زن	خانواده سنت بنیاد درون انتظام		
مهاجرت، شهرنشینی، حاشیه‌نشینی، سهولت دسترسی به رسانه‌های اجتماعی، حضور دختران و زنان در فضاهای عمومی جامعه، ورود در شبکه‌های ارتباطی مدرن	مدرنیزاسیون		
افزایش درک و آگاهی زنان و دختران، سهولت ارتباط‌گیری در شبکه‌های مجازی، تأثیرپذیری فرهنگی از رسانه‌های جمعی و اجتماعی	برون فرهنگ‌گرایی	تغییر نگرش و نقش زنان	قتل به‌مثابه واکنشی به تعارضات نظام جدید خانواده (تأخر فرهنگی در حوزه خانواده)
تضعیف روابط خویشاوندی و کنترل‌های غیررسمی، تضعیف نهاد خانواده، سنت‌زدایی، فردگرایی و استقلال عمل، احساس خلأ عاطفی، میل به رابطه‌گرایی در ازدواج و حتی بعد از ازدواج، تعارض و شکاف نسلی	خانواده مدرن برون انتظام		
مصرف و فروش مواد مخدر و مشروبات الکلی، سابقه کیفری، اختلال شخصیت، ضعف مهارت حل مسئله، شکست در ایفای نقش، ناتوانی در حل تنش سنت و مدرنیته، تضاد روانی و تضاد اجتماعی	برخوردار از فرصت‌های نامشروع	بی‌سازمانی اجتماعی	

فهمیدنی‌اند. خانواده‌های سنتی بیشتر با متعین‌های ساختاری از قبیل تسلط خرده‌فرهنگ سنتی قومی و محلی، حاکمیت نظام مردسالاری و فقر ترکیبی-آموزشی، اقتصادی و فرهنگی

تعیین‌های ساختاری: قتل ناموسی خانوادگی در ذیل تغییرات اجتماعی و فرهنگی و به‌مخصوص تغییرات نهاد خانواده در چارچوب تقابل سنت و مدرن، درک‌شدنی و

مشخص می‌شد. تعیین ساختاری، آن دسته از شرایط سطح کلان‌اند که به شکل گسترده در جامعه وجود دارند و به شکل ساختارهای فرافردی، الزام‌آور و عمومی درآمده‌اند. این شرایط به شکل عمیق و گسترده، ابعاد مختلف زندگی را تحت کنترل دارند. در مصاحبه با قاتلان، عمدتاً تسلط خرده‌فرهنگ قومی و محلی و حاکمیت نظام مردسالاری و فقر ترکیبی مشهود است.

«من تا اول راهنمایی درس خواندم و با دخترعموی خودم با تصمیم خانواده‌هایمان ازدواج کردیم. خانم که دخترعمویم بود، ایشان هم تا راهنمایی درس خواند، من شاید خانواده کمی بداخلاق بودم و اعتقاد داشتم که بایستی در خانواده حرف‌های مرد تعیین‌کننده باشد، اما هیچ‌وقت دست روی خانم بلند نکردم...» (کد ۸).

«دو سال قبل دخترم با مردی که ۱۵ سال از خودش بزرگ‌تر بوده و به‌عنوان زن دوم ازدواج کرد که مرد بی‌سواد بود و شغل ثابتی نداشت و کارگری می‌کرد... حدود یک سال بود که از مرد (دامادمون) خبری نبود و دخترم با ایشان اختلاف داشته و در حال طلاق بودند... که ما متوجه شدیم دخترم حامله هست و مطمئن بودیم که دخترم در یک ارتباطی گرفتار شده است... بعد از قطعی‌شدن ارتباط، چون آبروی من رفته بود، دخترم را باچاقو کشتم...» (کد ۱۰).

«من با پیشنهاد خاله همسرم ازدواج کردم، همسرم بی‌سواد و بیکار بود و من دیپلم داشتم، همواره اختلاف داشتیم. همسرم اجازه نمی‌داد من بیرون از خانه بروم، حتی حق نداشتم به همسایه‌ها سلام دهم. همیشه در خانه بهانه و ایراد می‌گرفت و محدود می‌کرد. حق نداشتم با برادر، خواهر و بستگانم رفت و آمد داشته باشم. یک‌بار با مشت به صورتم زده بود و پیشانی‌ام زخمی شده بود که تا الآن جایش مونده است. آن‌قدر اذیت می‌کرد که از او تنفر داشتم، به پدر و مادرش می‌گفتم، اظهار می‌کردند با گذر زمان خوب میشه و به برادرانم و خانواده خودم می‌گفتم، جواب می‌دادند مدارا کنید مرد است دیگه، من همواره کتک می‌خوردم، چون پشتوانه‌ای نداشتم و نمی‌توانستم طلاق بگیرم و مدام آزار و اذیت روحی روانی می‌داد، نقشه قتل او را با شوهر خواهرم کشیدم...» (کد ۲۱).

انتظام سنتی درون‌گروهی: در بافتار سنتی و اجتماع محلی، نظم و همبستگی اجتماعی عمدتاً با ازدواج‌های درون‌گروهی،

تعصب‌های اجتماعی بالا و حس مالکیت مردان نسبت به زن، با ازدواج‌های تنظیم‌شده نهادی، هرچند ناهمساز، به‌صورت کودک‌همسری انجام شده است که با توجه به همان بافتار سنتی و خرده‌فرهنگ قومی و محلی و آداب و رسوم و اعتقادات مذهبی، این انتظام درون‌گروهی با سختی طلاق، به‌دلیل فشارهای اجتماعی، به انتظام درون‌گروهی کمک می‌کرده است.

«من با خانم که ۱۵ سال داشت، ازدواج کردم (کودک‌همسری) و ازدواج هم به پیشنهاد عمویم، یعنی پدرخانم بود. همسرم قبلاً با شخص دیگری در ارتباط بوده، ولی به من ارتباطی نداشت و به او گفته بودم که گذشته‌اش به من ربطی ندارد... بعد از حدود یک سال و نیم بعد از ازدواج متوجه شدم خانم با شخص دیگری در ارتباط هست...» (کد ۸).

«من ۱۹ سال داشتم، بعد از اخذ دیپلم با دخترعموی خودم که ۵ سال از خودم کوچک‌تر بود، با خواست خانواده‌ام ازدواج کردم و بعد از چند سال متوجه شدم ازطریق گوشی با شخص دیگری در ارتباط هست و هرچه گفتم انکار می‌کرد. آخر بعد از اخذ پرینت مکالمات و اثبات ارتباط تلفنی، خواستم طلاقش دهم، ولی به‌دلیل فشار خانواده و وساطت فامیل و بزرگان، طلاق ندادم تا اینکه کار با اینجا کشید و مجبور شدم او را به قتل برسانم...» (کد ۱۳).

مدرنیزاسیون: خانواده در جامعه سنتی و محلی که به‌واسطه ریشه‌های اجتماعی و فرهنگی شکل می‌گرفت و تداوم داشت، با ورود مظاهر مدرنیته، بخشی از مردم با جابه‌جایی جغرافیایی و مهاجرت از روستاها به شهرها، شهرنشینی و سکونت در محلات حاشیه‌نشین و سکونت‌گاه‌های غیررسمی با تنوع فرهنگی بالا، نقطه شروع تغییرات اجتماعی و فرهنگی شروع شد و در ادامه به تغییرات ذائقه و سبک زندگی مردم تأثیر گذاشت. در دل این تغییرات، سبک زندگی به‌دلیل حضور زنان در عرصه‌های مختلف اجتماعی و همچنین سهولت دسترسی به رسانه و ارتباطات گسترده دختران و زنان در شبکه‌های اجتماعی مجازی، به آشنایی با مردانی خارج از چارچوب‌های سنتی خانواده و جامعه محلی منجر شده است که در لابه‌لای صحبت‌های قاتلان، تأثیرات مدرنیته و تقابل

سنت مدرنیته و تغییرات اجتماعی و فرهنگی ناموزون کاملاً مشهود بود، به‌طوری که یکی از مصاحبه‌شونده‌ها اعلام کرد:

«من تا دوم راهنمایی درس خواندم و در روستا به قالی‌بافی و کارگری مشغول بودم، ولی به‌دلیل نبود درآمد کافی به امید اشتغال دائم و درآمد بالا به شهر اومدم و اجاره‌نشین بودم و نمی‌توانستم هزینه زندگی را تأمین کنم تا حدی که چند سال قبل به‌دلیل بالاآوردن بدهی، یکی از کلبه‌هایم را فروختم... از ۸ بهمن که زلزله اومد و خانواده را مجبور شدم به ایواوغلی بفرستم، خانواده من با خواهرزاده خود که طلاق هم گرفته بود، اونجا با گوشی با دیگران ارتباط گرفتند و در مدت دو هفته که اونجا موندند، همسرم را خواهرزاده‌اش می‌خواست به بیراهه بکشد که من مانعش شدم، هرچی سند مدرک هست در گوشی است...» (کد ۱۵).

«نباید برای اشتغال به شهر دیگری می‌رفتم و خانواده خودم را در روستا تنها می‌گذاشتم که نتونم نزد خانواده باشم و به اونا نظارت کافی داشته باشم...» (کد ۱۳).

«ما در یک خانواده سنتی در روستا زندگی می‌کنیم، در خانه خودم دختر پاکی بود، ۱۵ سال داشت ازدواج کرد و تا کلاس هفتم درس خوانده بود، با پسر ۲۹ ساله شهری که شغل کاشی‌کاری داشت، ازدواج کرد و بعد از ازدواج از روستایمان اومد در شهر ارومیه با شوهر و خانواده شوهرش زندگی می‌کرد که بعد از یک سال کارشون به اختلاف کشید. بعد از ۹ ماه یک خونه جداگانه گرفتیم، بعد از ۱۵ روز به گوشی دخترم زنگ زدم جواب نداد، بعد به صاحبخانه‌شون زنگ زدم، گفتند دخترتون ۱۵ روز هست خونه نمیاد با برادرم و شوهرم اومدیم متوجه شدیم دخترم در کافه‌ای در بین پسران مشغول کار هست، دامادمون به هم‌روستایی‌هایمون زنگ زده بود و کارکردن و بیرون‌موندن راحله را گفته بود... من با شوهرش دعوا کردم و به دایی‌اش زنگ زدم. ایشون گفتند دخترتون فلان کاره شده در خیابان‌ها می‌مونه. دخترم با راهنمایی کلانتری پیدا کردیم و می‌خواستیم ببریم خونه طلاقش را بگیریم، در مسیر خونه اونقدر با باباش جر و بحث کردند، از ترس آبرویمان در روستا، او را در مسیر با روسری‌اش خفه کردیم» (کد ۲۷).

برون‌فرهنگ‌گرایی: به‌دنبال تغییرات گسترده اجتماعی و

فرهنگی و با ورود عناصر مدرنیته در جامعه سنتی و محلی، تقابل فرهنگ سنتی و مدرن با گسست نسلی درون خانواده

بیشتر آشکار شد، به‌طوری که نسل فرزندان با الهام از بستر اجتماعی جدید و الگوهای اجتماعی موجود در عرصه اجتماعی و فضای مجازی، به‌دلیل سهولت در دسترسی به عرصه اجتماعی خارج از خانواده و افزایش دسترسی به رسانه‌های اجتماعی و جمعی، نگرش و طرز تفکر نسل فرزندان با والدین متفاوت و افزایش فردگرایی در خانواده بیشتر می‌شود که با افزایش فردگرایی و حس آزادی و استقلال از سوی دختران، شکل‌گیری ازدواج‌های رابطه‌محور به‌جای ازدواج‌های نهادی-سنتی جایگزین می‌شود. بنابراین با تداوم این استقلال، بدون توجه یا درک بافتار سنتی و محلی مدنظر والدین و نسل قبلی در سایه فضای فراهم‌شده مدرن، به حضور خود در بیرون از چارچوب‌های سنتی خانواده‌محور و استقلال عمل در ورود به رابطه با دیگران، گاهی حتی باوجود تأهل تأکید می‌شود که با وجود بعضی همسران دور از خانواده، به‌دلیل کار و پایین‌بودن چگالی و تراکم ارتباط اعضای خانواده و همسران، به سردی عواطف خانوادگی منجر می‌شود، زمینه لازم و کافی را برای ورود به یک رابطه عاطفی خارج از چارچوب خانواده فراهم می‌کند و جایگزین روابط خانوادگی با محوریت زناشویی، خواه به‌صورت عینی یا ذهنی می‌شود که در مصاحبه با قاتلان، موارد متعددی از این مقوله‌ها ذکر شد؛ برای مثال:

«در منطقه ما دخترا کوچک ازدواج می‌کنند، هرچی بر سر این بچه‌ها و دخترا میاد، از این فیلم‌های ماهواره و گوشی‌ها هست. ما روستامون مرزی هست، بیشتر فیلم‌های ترکیه را می‌بینیم، دخترا از این فیلم‌ها یاد می‌گیرند و با گوشی با مردان دیگر ارتباط برقرار می‌کنند» (کد ۲۴).

«دامادمون عکس‌ها و فیلم‌های ویدا و پیامک‌هایش را به پدرم فرستاده بود و او را به‌خاطر حفظ آبروی خانواده و اینکه همه خانواده و عموهایم به پدرم توهین می‌کردند که چرا دخترت را نمی‌تونم کنترل کنی...» (کد ۲۵).

«من تا پنجم ابتدایی درس خوندم، در کارواش کارگری می‌کنم، دخترم هرازگاهی از خانه فرار می‌کرد، اصلاً به حرف‌های من گوش نمی‌داد، هر جا می‌رفت از من اجازه نمی‌گرفت و به من یا خانواده نمی‌گفت و دنبالش می‌گشتم پیداش نمی‌کردم، می‌نصیحت می‌کردم، چیزی نمی‌گفت، می‌گفت من می‌خوام آزاد باشم و پول در بیارم

پیش‌آمده در خانواده، شامل همه افراد یک جامعه می‌شود. برخی در شرایط و فرصت‌هایی قرار می‌گیرند که با این تعارض کنار می‌آیند یا آن را حل می‌کنند، اما عده‌ای بیشتر در معرض فرصت‌های نامشروع‌اند. این فرصت‌ها معلول تغییرات اجتماعی و فرهنگی ناشی از ورود مدرنیته است که به‌صورت ناتوانی در اذخال و ادغام اجتماعی یا ناتوانی در تربیت و کنترل اجتماعی بخشی از اعضای جامعه، در سطح جامعه رها بوده است و دچار انواع آسیب‌های اجتماعی می‌شود. در این پژوهش و در مصاحبه با قاتلان، به مواردی از قبیل تهیه و توزیع مشروبات الکلی، مصرف و فروش مواد مخدر و مشروبات الکلی اشاره شد که خارج از چارچوب خانواده، به ارتباطی ورود کرده و درنهایت سر از قتل ناموسی درآورده بودند. این افراد سابقه کیفری، اختلال شخصیت (زن‌ستیزی)، ضعف مهارت حل مسئله، شکست در ایفای نقش و ناتوانی در حل تضاد روانی - اجتماعی داشتند و به همین دلیل در موقع بروز یک بستر سخت تصمیم، به قتل ناموسی اقدام می‌کردند.

«من ۱۵ سال دارم و تا دوم ابتدایی درس خوندم و از کودکی کار می‌کنم و در محله کشتارگاه زندگی می‌کنیم. من مادر خودم را ندیدم. من را زن عمویم شیر داده و بزرگ کرده است. می‌گن مادر من هم زن خوبی نبوده است و با یک مرد دیگری به ترکیه فرار کرده است و ما سه بچه از اون مادریم و یک بچه دیگر از مادر دوم داریم. خواهرم ۱۶ سال داشت با همسرش فرار کرده بود و بعداً ازدواج کردند، خواهرم سه سال بود که ازدواج کرده بود و یک بچه داشت. در محله می‌گفتند که خواهرم با مردای دیگه ارتباط داره ... مدام زن‌بابام می‌گفت که این دختر هم مثل مامانت روزی به ترکیه فرار می‌کنه و آبروی ما خواهد رفت... من خواهرم را با روسری‌اش خفه کردم...» (کد ۲۵).

«من تا پنجم ابتدایی درس خوندم، از ۱۷ سالگی مواد (ترامادول) مصرف می‌کردم. یک‌بار به‌خاطر نداشتن پول مواد، مادرم را کتک زدم، کتربازی و سگ‌بازی می‌کنم، روز حادثه مواد مصرف کرده بودم (ترامادول و مشروب)، من با سگم می‌رفتم که دیدم یک دختر و پسر باهم هستند و اونا به سگ من متلک گفتند و من با سمت اونا رفتم و پسر فرار کرد و دختره که تنها مانده بود، با سیلی زدم که

و می‌خوام به خارج برم... خیلی اختلاف داشتیم. با پسر به قلیون‌سرا می‌رفت، آبروی من را برده بود... شب حادثه خیلی به من فشار آورد. گفتم مرا به قلیون‌سرا ببر. با هم آمدیم شهر و چیزی خوردیم، بعد آوردم با روسری‌اش خفه کردم...» (کد ۹).

خانواده مدرن برون انتظام: با آمدن مدرنیته به درون نهاد

خانواده، این نهاد دستخوش تحولات فراوان شده است. یکی از مهم‌ترین این تحولات، تنظیم روابط خانوادگی براساس الگوهای مدرن است، نه سنت‌ها و ارزش‌های جامانده از گذشتگان. بر این اساس، الگوهای سنتی درون فرهنگی کم‌رنگ می‌شود و نهاد خانواده الگوهای جدید را از بیرون سنت‌ها به درون خانواده وارد می‌کند و به خانواده انتظام می‌بخشد؛ یعنی الگوی انتظام‌بخش مدرن در تقابل با الگوی سنت‌گرا خواهد بود. بنابراین در جامعه شهری جدید و یا زندگی روستایی شهرگرا، روابط خویشاوندی و کنترل‌های غیررسمی رو به ضعف گذاشته است که قبلاً عامل مهمی در کنترل آسیب‌های اجتماعی و جرائم داشت. تضعیف جایگاه نهاد خانواده و سنت‌زدایی از روابط و حریم خانواده به دلیل افزایش فردگرایی و حس استقلال عمل، بستر لازم را برای میل به رابطه‌گرایی در ازدواج، بدون توجه به سنت‌های محلی و اعتقاداتی فراهم می‌کند که درخواست و انتظار اصلی جامعه و خانواده است.

«در گذشته دختر بدون اجازه پدر و خانواده نمی‌توانست بیرون برد یا تصمیمی بگیرد، ولی در این دوره نمونه اصلاً کسی برای خانواده یا پدر و مادر محلی نمی‌گذازد، تمامی مشکلات ناشی از همین هست. نسل جدید خیلی دوست ندارد مثل ما باشد...» (کد ۸).

برخورداری از فرصت‌های نامشروع^۱: برخورداری از

فرصت نامشروع، بیانگر وضعیتی است که در آن افراد به‌سبب برخی شرایط اجتماعی، امکان دسترسی به فرصت‌های مشروع را ندارند تا با تعارض به وجود آمده در درون نهاد خانواده، به شیوه درست برخورد کنند، بلکه آنها دسترسی بیشتری به فرصت‌های نامشروع داشته‌اند. بدیهی است تعارضات

^۱ این مفهوم از نظریه «ساختارهای فرصت نامشروع» ریچارد ای‌کلووارد و لیود ای اولین به عاریت گرفته شده است.

کشید، من متوجه شدم با دوست‌پسر قبلی‌اش با هم بودند و من متوجه شدم ایشون همسر قبلی‌اش بوده و طلاق نگرفته است... و من به‌خاطر خیانت ایشون و حفظ غیرت و آبروی خودم، اون‌قدر با شلنگ زدم تا نفس درنیومد» (کد ۲۲).

«من تا سوم راهنمایی درس خوندم، مدت ۴ سال به‌دلیل فروش و حمل مواد مخدر در زندان بودم و امکان حضور در خانه را نداشتم؛ یعنی ۴ سال از ۷ سال زندگی را من زندان بودم، یک نفر به من زنگ زد که همسرت را طلاق بده و عکس‌ها و پیام‌های همسرم را برام با گوشی فرستاد و بعد من متوجه شدم زنم با ایشان ارتباط داره. پس از مدتی به‌دلیل این ارتباط، من همسرم را طلاق دادم ... یک روز همسر سابقم زنگ زد بچه‌ها را بیارید ببینم... در مسیر این مرد را دیدم و با اسلحه کشتم...» (کد ۲۱).

بیهوش شد؛ سپس با بلوک زدم به کله‌اش و کاغذ و گونی جمع کردم و آتشش زدم تا پیدا نشود...» (کد ۱۱).

«من تا ابتدایی درس خوندم، علاوه بر مصرف مواد، موافق‌فروشی می‌کردم و یک‌بار هم برای کمپ اعتیاد رفتم، ولی مجدداً با مصرف مواد و فروش آن روی آوردم. با یک نفر در زندان آشنا شدم و این خانم با اون آقا اومد در خونه‌مون، این دختر را اونجا دیدم، گفتند مشکلی داریم بریم اون را حل کنیم. دو سه روز بعد اومد در خانه‌مون مجدد، گفتند که ازتون خوشم اومده بیا باهم زندگی کنیم (ازدواج سفید). گفتم که من معتادم و از اون یکی صیغه‌ام یه دختر دارم، ایشون گفت من هم معتادم... یک خونه گرفتیم و قرار شد اونجا باهم زندگی کنیم ... یک روز دختره از خونه فرار کرد، من در خانه مادرش رفتم، قرار شد شناسنامه‌اش را بباره بریم عقد که هفت روز طول

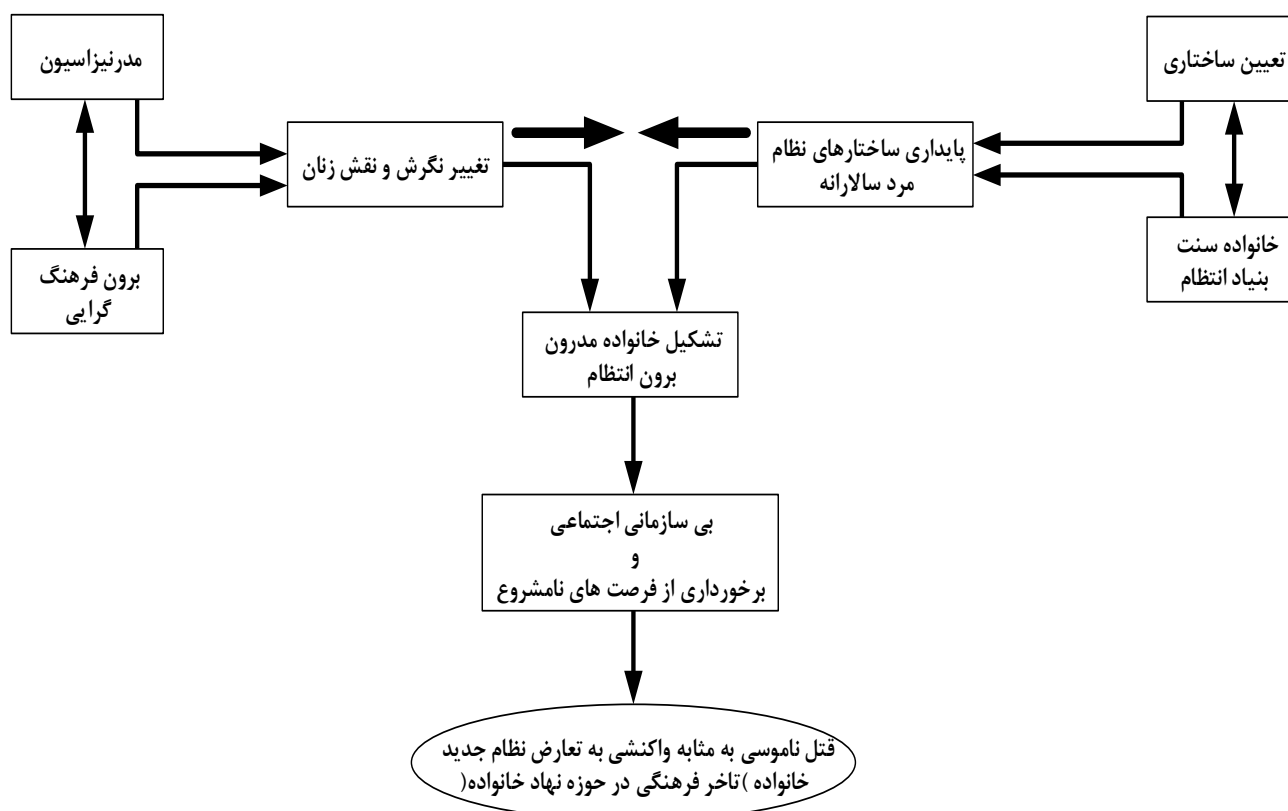


Fig 1- Paradigm model of research

بحث و نتیجه

کشورهاست که هنوز به اندازه کافی توضیح داده نشده است. مسئله قتل‌های ناموسی در قالب دیدگاه مربوط به گذر از

قتل ناموسی یک معضل اجتماعی جدی در برخی

مدرنیته و تأخر فرهنگی در حوزه خانواده» فهم و تفسیر می‌شود.

در این تحلیل، قتل ناموسی تلاشی برای محافظت از زندگی جامعه سنتی و محلی است که از طریق همبستگی مکانیکی و به صورت درون‌گروهی و محلی انتظام می‌یافت و خانواده‌ها عمدتاً خانواده‌های سنت‌بنیاد بودند که در مواجهه با مدرنیته و تحت تأثیر مدرنیزاسیون، با تغییرات اساسی مواجه شد، به طوری که با افزایش مهاجرت و جابه‌جایی جمعیت، شهرنشینی و گسترش حاشیه‌نشینی، سهولت دسترسی به رسانه‌های اجتماعی، حضور دختران و زنان در فضاهای عمومی جامعه، ورود در شبکه‌های ارتباطی مدرن، به تدریج جامعه سنتی با انتظام درون‌گروهی، به جامعه برون‌فرهنگ‌گرایی مبدل شد که در آن درک و آگاهی زنان و دختران افزایش یافته و سهولت ارتباط‌گیری در شبکه‌های مجازی و تأثیرپذیری فرهنگی از رسانه‌های جمعی و اجتماعی، از دیگر شاخصه‌های آن است که در نتیجه آن به تدریج سنت‌های مقوم نظم و همبستگی اجتماعی، از جمله تضعیف روابط خویشاوندی و کنترل‌های غیررسمی، تضعیف نهاد خانواده، سنت‌زدایی، فردگرایی و استقلال عمل، احساس خلأ عاطفی، میل به رابطه‌گرایی در ازدواج و حتی بعد از ازدواج، تعارض و شکاف نسلی به وجود آمد و به شکل‌گیری خانواده‌های برون‌انتظام منجر شد. در این شرایط گذار از جامعه سنتی به مدرن، قتل ناموسی به عنوان نوعی کنترل اجتماعی غیررسمی ادامه داشته و حتی طبق برخی روایت‌ها، در پاسخ به فرآیند مدرنیزاسیون تشدید شده است. در واقع بخش عمده‌ای از قتل‌های ناموسی، پاسخی به مدرنیته و تغییرات ناشی از آن و از این نظر، فهم‌پذیر است. دو تغییر در گذار از ساختار سنتی به مدرن، مشروعیت ارزش‌های سنتی را زیر سؤال می‌برد: نخست، مدرنیته منادی ظهور نظام ارزشی فردگرا و حقوق بشر فردی است که در تضاد با ارزش‌های جمع‌گرایانه جوامع سنتی است. این تغییر از جمع‌گرایی به فردگرایی، نگرش را نسبت به کدهای افتخار و شرف تغییر می‌دهد. در این بستر، قتل ناموسی درواقع تلاشی برای دفاع از

جامعه سنتی به مدرن، فهم‌پذیر و تبیین‌شدنی است. قتل ناموسی نوعی کنترل اجتماعی غیررسمی و به زعم قاتلان برای دفاع از شرف، ناموس و دفاع از خانواده و ترس از بی‌آبرویی و فشار اجتماعی است.

در ساختار جامعه سنتی، قتل ناموسی یک عمل اخلاقی است، به عنوان مجازات عمل و وجدان و همبستگی جمعی را حفظ می‌کند. دیگر هدف از حفظ انسجام گروهی و اجتماع، شرط کافی برای توجیه قتل ناموسی نیست. قتل ناموسی، متغیری چندوجهی است که با ابعاد مختلفی در ارتباط است و احتمال وقوع آن در جوامع سنتی و در حال گذار، بیشتر است. بنابراین قتل ناموسی عمدتاً در برخی جوامع سنتی، واکنش وجدان جمعی جامع در قالب کنترل اجتماعی غیررسمی است و به عنوان یک قانون تنبیهی برای برگرداندن شرف و ناموس به خانواده و واحد اجتماعی مسلط رخ می‌دهد. در این شرایط، قتل ناموسی باید یک تکنیک کنترل اجتماعی و انسجام اعمال و در جوامع به هم پیوسته درک شود که در آن تمایلات جنسی و رفتارهای اجتماعی زنان، ارزش‌های کلیدی و اجتماعی دارند. در برخی از جوامع که در شرایط گذار از سنت به مدرنیته‌اند، قتل‌های ناموسی در بستر تضاد و کشمکش نیروهای همبستگی سنتی و نیروهای گسستگی مدرن، که دنبال باور و سبک زندگی خود عمل می‌کنند، رخ می‌دهد و این همان تضاد سنت و مدرنیته است که از آن به عنوان تأخر فرهنگی یاد می‌شود. قتل ناموسی به دلیل تحقق نیافتن همبستگی ارگانیکی و مدرنیزه‌نشدن گروه‌هایی از جامعه، از خرده‌فرهنگ‌های قومی-قبیله‌ای و محلی برخوردار است.

براساس این رویکرد، قتل ناموسی تلاشی برای دفاع از ناموس و شرف خانوادگی و محافظت از زندگی اجتماعی محلی و سنتی از طریق انتظام درون‌گروهی، مبتنی بر کنترل‌های اجتماعی غیررسمی در پاسخ به تغییرات و تحولات ساختاری خانواده و تغییرات سبک زندگی تحت تأثیر مدرنیته، در گذار اجتماعی به عنوان کنشی برای رهایی از فشارهای درونی فردی و بیرونی اجتماعی، با عنوان «سمت تاریک

بنابراین ضرورت دارد توجه به آموزش و پرورش و تعلیم و تربیت درست و پیشگیری از بازماندگی از تحصیل و ترک تحصیل در سنین پایین، در دستور کار آموزش پرورش قرار گیرد؛

نتایج تحقیق و یافته‌های مصاحبه‌ها حاکی از آسیب جدی شبکه‌های اجتماعی فضای مجازی به فرد و خانواده‌ها بوده و به یقین آسیب‌های اساسی را به باور و بنیان خانواده وارد کرده است؛ به طوری که در بسیاری از پرونده‌های مطروحه در این پژوهش، به وضوح ردپای روابط نامشروع، خیانت، طلاق به جهت همین حضور کنترل نشده در فضای مجازی دیده می‌شد که بستر این آسیب، گسترش بی برنامه شبکه‌های اجتماعی و فضای مجازی بوده است و در فرهنگ‌سازی نکردن به موقع برای بهره‌مندی از این فرصت ریشه دارد. بنابراین پیشنهاد می‌شود آموزش نحوه بهره‌مندی و استفاده از فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی، در دستور کار قرار گیرد تا با ارتقای سواد رسانه‌ای و افزایش آگاهی مردم، در بهره‌مندی از این امکان در کنار آشنایی با آسیب‌های آن، از بروز چنین پدیده‌هایی پیشگیری شود؛

توجه جدی به ایجاد اشتغال و درآمد کافی برای همه افراد جامعه و توسعه عدالت اجتماعی، از دیگر راهکارهایی است که باید اتخاذ شود. مهاجرت، حاشیه‌نشینی و یا حضورنداشتن بلندمدت مرد خانواده به دلیل اشتغال بدون خانواده در برخی از پرونده‌های بررسی شده، بستر ساز بروز چنین پدیده‌ای شده بود؛

برنامه‌ریزی فرهنگی و آموزشی، برنامه‌ریزی برای تقویت سازمان‌ها و امور مشاوره و مددکاری، تقویت برنامه‌های فرهنگی و دینی در راستای تقویت انسجام خانواده و تشویق به ازدواج‌های همساز و جلوگیری از کودک‌همسری و ازدواج‌های اجباری، از جمله راهکارهای مؤثر در کاهش نرخ قتل است؛

سهولت دسترسی به سلاح، مصرف مشروبات الکلی و اعتیاد، از نابهنجاری‌هایی است که تأثیرات منفی و مخربی را در عرصه‌های فردی، خانوادگی و اجتماعی به همراه دارد و در

ناموس و شرف خانوادگی و محافظت از زندگی اجتماعی محلی و سنتی از طریق همبستگی مکانیکی مبتنی بر کنترل‌های اجتماعی غیررسمی در پاسخ به تغییرات و تحولات خانواده و تغییرات سبک زندگی، تحت تأثیر مدرنیته در گذار اجتماعی، کنشی برای رهایی از فشارهای درونی فردی و بیرونی اجتماعی فهم و تفسیر می‌شود. معلولیت‌های اجتماعی که خود بخشی از مظاهر و نتایج مدرنیته ناقص است، یک عامل شتاب‌زا برای کنشگر در حال تعارض بین سنت و مدرن و فشارهای درونی فردی و اجتماعی بیرونی درگیر است و توان درک بستر اجتماعی جدید و سازگاری با آن را ندارد و پدیده قتل ناموسی و خانوادگی شکل می‌گیرد.

پیشنهادهای

فرهنگ‌سازی در کنار توسعه کمی و کیفی آموزش خانواده در مراکز مشاوره خانوادگی و مددکاری اجتماعی در سطح جامعه، در مراکز جامع سلامت روستایی و شهری و با اجرای برنامه جامع سلامت روانی- اجتماعی؛ زیرا نقش مؤثری در اجتماعی شدن، شناخت الزامات خانواده، پیشگیری از جرم و کاهش عوامل جرم‌زا و خطرآفرین، به‌ویژه در ارتباط با خانواده‌های آسیب‌دیده، نظیر کودک‌همسری، ازدواج‌های اجباری، خانواده‌های نابسامان و آشفته و والدین معتاد و یا دارای سابقه ارتکاب جرم دارد؛

بهترین راه پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی، علاوه بر فراهم کردن مطلوب و بهنجار عوامل فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، آموزشی و ...، استفاده از آموزش‌های هدفمند و مداخلات روان‌شناختی از سوی مشاوران، روان‌شناسان و مددکاران اجتماعی در مدارس، از طریق اجرای برنامه جامع نظام مراقبت اجتماعی دانش‌آموزان است. بیشتر در مدارس، محله‌ها و روستاهایی به مداخلات روان‌شناختی توجه می‌شود که به نوعی در خطر آسیب‌های اجتماعی و یا نقاط کانونی درگیر با مسئله‌اند؛

یکی از مؤلفه‌های تأثیرگذار در بروز پدیده قتل ناموسی- خانوادگی و بستر سازی برای آن، پایین بودن تحصیلات است،

10.22059/jibm.2021.317487.4037.۶۸۹-۶۵۵

صابر، م. (۱۳۹۶). بررسی عوامل قتل‌های ناموسی در سال ۱۳۹۳ (مورد مطالعه شهرستان ایلام). *دانش انتظامی ایلام*، ۶(۲۲)، ۴۱-۲۳.

صادقی فسایی، س. (۱۳۹۳). مطالعه جامعه‌شناختی قتل: شناسایی و ریسک فاکتورها. *بررسی مسائل اجتماعی ایران*،

۵(۲)، ۱۹۱-۲۱۸. 10.22059/ijsp.2014.55546

عبدی، ع. (۱۳۶۷). *مسائل اجتماعی قتل در ایران*، تهران: نشر جهاد دانشگاهی.

کرمی، غ؛ ملکی، ا. و زاهدی مازندرانی، م. (۱۳۹۸). تبیین جامعه‌شناختی پدیده قتل‌های ناموسی (به‌خاطر شرف) در استان خوزستان در طی سال‌های ۱۳۹۰ الی ۱۳۹۴. *توسعه اجتماعی*، ۱۳(۳)، ۸۱-۱۱۶.

محدثی، ح. و ابراهیمی، م. (۱۳۹۸). *نشست تخصصی فرهنگ و مسائل اجتماعی: تحلیل جامعه‌شناختی پدیده‌های زن‌کشی و شوهرکشی*، تهران: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات.

محمدپور، ا؛ رضایی، م؛ پرتوی، ل. و صادقی، ر (۱۳۸۸). بازسازی معنایی تغییرات خانواده به شیوه نظریه زمینه‌ای (مطالعه موردی ایلات منگور و گورک). *خانواده‌پژوهی*، ۵(۱۹)، ۳۰۹-۳۳۰.

مقدسی، م. و روستایی، م. (۱۴۰۳). قتل‌های ناموسی و مطالعه تطبیقی بازنمایی آن در نظام‌های کیفری غربی، اسلامی و ایران. *پژوهش تطبیقی حقوق اسلام و غرب*، ۱۱(۲)، ۱۳۹-۱۶۲

DOI: 10.22091/csiw.2024.8551.2321.۱۶۲

مهدوی، د؛ عالیپور، ح. و بابایی، م. (۱۴۰۲). رویکرد فقه و سیاست کیفری ایران نسبت به قتل‌های ناموسی؛ چالش‌ها و راهکارهای پیشگیری. *فقه جزای تطبیقی*، ۳(۲)، ۱۰۷-۱۱۶.

doi: 10.22034/jccj.2023.385213.1191

References

- Abdi, A. (1988). *Social issues of murder in Iran*. Tehran: Jahad Danshghi Publishing House, first edition. [In Persian].
- Abu-Lughod, L. (2011). Seductions of the "honor crime". *Differences: A Journal of Feminist Cultural Studies*, 22(1), 17-63.

این تحقیق در بیشتر پرونده‌های بررسی شده مشهود بود. کنترل و کاهش این موارد، یکی از عوامل اصلی ارتکاب به خشونت است و باید در دستور کار پلیس و دیگر نهادهای کنترل اجتماعی قرار گیرد.

منابع فارسی

ایزی، ا. (۱۳۹۴). تحلیل جامعه‌شناختی عوامل مؤثر بر قتل‌های خانوادگی و همسرکشی. *دانش انتظامی خراسان شمالی*،

۲(۷)، ۸۱-۱۰۰. <https://civilica.com/doc/1850798>

آمار پزشکی قانونی کشور. (۱۴۰۲). سایت <https://www.lmo.ir> بشیریه، ح. (۱۳۸۷). *انقلاب و بسیج سیاسی*، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

جاهد، م؛ دیندار، ر. و ستوده، م. (۱۳۹۰). بررسی عوامل دخیل در وقوع قتل عمد در استان اردبیل. *کارآگاه*، ۲(۱۶)، ۱۰۹-۱۲۸. http://det.jrl.police.ir/article_10517

جوانمرد، م؛ عشایری، ط. و عباسی، ا. (۱۳۹۹). بررسی عوامل اجتماعی - فرهنگی مؤثر بر قتل‌های ناموسی. *مددکاری اجتماعی*، ۹(۳)، ۴۸-۵۶. <https://sid.ir/paper/962527/fa>

دلاور، ع. و کوهزادیان، ق. (۱۳۹۸). تحلیل مقایسه‌ای و اولویت‌بندی عوامل مؤثر بر قتل‌های ناموسی با سایر قتل‌ها. *پژوهش‌های اطلاعاتی و جنایی*، ۱۴(۵۵)، ۷۵-۹۴. <https://sid.ir/paper/363691/fa>

دیلینی، ت. (۱۳۸۲). *نظریه‌های کلاسیک جامعه‌شناسی* (ترجمه بهرنگ صدیقی و وحید طلوعی)، تهران: نشر نی.

ریاحی، م. و اسماعیلی، و. (۱۳۹۷). بررسی جامعه‌شناختی نگرش به قتل‌های ناموسی و عوامل اجتماعی مؤثر بر آن در شهر مریوان. *مطالعات اجتماعی ایران*، ۱۲(۳)، ۵۲-۷۹.

<https://sid.ir/paper/135815/fa> ریتزر، ج. (۱۳۹۱). *نظریه‌های جامعه‌شناسی در دوران معاصر* (ترجمه محسن ثلاثی)، تهران: انتشارات علمی.

سلمان‌پور سهی، ع؛ اعرابی، س؛ پورعزت، ع. و آقایی، م. (۱۴۰۰). مفهوم‌پردازی ماهیت اجرای استراتژیک برای تحقق استراتژی‌های سازمان. *مدیریت بازرگانی*، ۱۳(۳)،



- Social Science Information*, 60(1), 86-106. DOI:10.1177/0539018421994777
- Hosseini, S.B., & Basavaraju, C. (2016). Study on honor killing as a crime in India-cause and solutions. *International Journal of Preventive Medicine*, 2(1), 90-95. <https://civilica.com/doc/1850798>
- Izi, A. (2015). Sociological analysis of factors affecting family murders and homicide. *North Khorasan Police Knowledge Quarterly*, 2(7), 81-100. [In Persian].
- Jahid, M., Dindar, R., & Sotoudeh, M. (2013). Investigating the factors involved in the occurrence of intentional homicide (Case Study of Ardabil Province). *Detective Magazine*, 2(16) 109-128. [In Persian]
- Javanmard, M., Ashayeri, T., & Abbasi, E. (2020). A study of social and cultural factors affecting honor killings. *Socialworkmag*, 9 (3), 48-56 [In Persian]
- Karami, G., Maleki, A., & Zahedi Mazandarani, M. J. (2019). Sociological explanation of the phenomenon of honor killings (for the Sake of Honor) in khuzestan province during 2011-2015. *Quarterly Journal of Social Development (Previously Human Development)*, 13(3), 81-116. [In Persian]
- Kulwicki, A. D. (2002). The practice of honor crimes: A glimpse of domestic violence in the Arab world. *Issues in Mental Health Nursing*, 23, 77-87. DOI: 10.1080/01612840252825491
- Lincoln, Y., & Guba, E. (1985). *Naturalistic inquiry*. Sage Publications.
- Mahdavi, D., Aalipour, H., & Babaei, M. A. (2023). The approach of jurisprudence and iranian criminal policy toward honor killings: Challenges and prevention. *Comparative Criminal Jurisprudence*, 3(2), 107-116. [In Persian]
- Moghaddasi, M. B., & Roustaie, M. (2024). Honor killings and a comparative study of its representation in western, islamic and Iran criminal systems. *Comparative Studies on Islamic and Western Law*, 11(2), 139-162. [In Persian]
- Muhaddsi, H., & Ebrahimi, M. (2018). Specialized meeting Culture and social issues; Sociological analysis of the phenomena of femicide and husbandicide. *Research Institute of Culture, Art and Communication*. [In Persian]
- Mohammadpour, A., Rezaei, M., Partovi, L., & Sadeghi, R. (2009). The meaning reconstruction of family changes using grounded theory (A case study of mangor and Gaverk Tribes). *Journal of Family Research*, 5(3), 309-330. [In Persian]
- Murugananthan, S. (2014). Honour killing' the menace - A case study in Tamil Nadu. *International Journal of Management Research and Social Science (IJMRSS)*, 1(1), 38-40.
- Nasrullah, M., Haqqi, S., & Cummings, K.J. (2009). The epidemiological patterns of honour killing of women in Pakistan. *European Journal of Public Health*, 19(1), 10-15. <https://doi.org/10.1215/10407391-1218238>
- AlQahtani, M., Sarah Almutairi, D., Binaqeel, E., & Almutairi, R. (2022). honor killings in the eastern mediterranean region: A narrative review. *Journal of Healthcare*, 11, 74, 1-8. <https://doi.org/10.3390/healthcare11010074>
- Andreas, M. (2003). Validity and reliability tests in case study research: A literature review with "hands-on applications for each research phase. *Qualitative Market Research: An International Journal*, 6(2), 75-86. <http://dx.doi.org/10.1108/13522750310470055>
- Bashiriye, H. (2008). *Revolution and political mobilization*. Tehran University Press, 7th edition. [In Persian].
- Blaikie, N. (2007). *Approaches to social inquiry* (2nd Ed.). Polity Press.
- Bostan, H. (2003). *Sex inequality and oppression*. Seminary and University Research Institute.
- Brandon, J., & Hafez, S. (2008). *Crimes of the community: Honour-based violence in the UK*. Centre for Social Cohesion.
- Brookman, F. (2005). *Understanding homicide*. Sage.
- Charmaz, K. (2006). *Grounding grounded theory: A practical guide through qualitative analysis*. Sage Publication.
- Dayan, H. (2019). Female honor killing: The role of low socio-economic status and rapid modernization. *Journal of Interpersonal Violence*, 36, 1-18. DOI: 10.1177/0886260519872984
- Delavar, A., & Kohzadian, Q. (2019). Comparative analysis and prioritization of factors affecting honor killings with other homicides. *Criminal Intelligence Researches*, 14(3 (55)), 75-94. [In Persian]
- Delaney, T. (2003). *Classical theories of sociology*. translated by Toloui Vahid and Sedighi Behrang, Tehran, Ney Publications. [In Persian]
- Dhiman, S., & Tania, S. (2017). No 'honour' in killing: A socio-legal analysis. *International Journal of Recent Scientific Research*, 8(7), 18541-18546. <http://dx.doi.org/10.24327/ijrsr.2017.0807.0528>
- Durkheim, E. (1997). *The division of labor in society*. Simon and Schuster.
- Flatley, J. (2017). *Crime in england and wales: Office for national statistics*. <https://www.ons.gov.uk/releases/crimeinenglandandwalesyearendingdecember2017> Year ending June 2017. Crime against household and adult, also including data on crime experienced by children, and crime against businesses and society. 2017.
- Forensic Medical Statistics of the Country. (2023). <https://lms.lmo.ir> [In Persian]
- Golafshani, N. (2003). Underestimating reliability and validity in qualitative research. *The Qualitative Report*, 8(4), 597-607.
- Heydari, A., Teymoori, A., & Trappes., R. (2021). Honor killing as a dark side of modernity: Prevalence, common discourses, and a critical view.

- implementation. *Journal of Business Management*, 13(3), 655-689. doi: 10.22059/jibm.2021.317487.4037 [In Persian]
- Satnam Singh, D. (2014). Honour killings in haryana state, india: a content analysis. *International Journal of Criminal Justice Sciences (IJCJS)*, 9(2), 192-208. https://www.researchgate.net/publication/333557222_
- Sev'er, A., & Yurdakul, G. (2001). Culture of honor, culture of change: A feminist analysis of honor killings in rural Turkey. *Violence Against Women*, 7(9), 964-98.
- Shabbir, M. (2019). Social acceptance of honor killings: A sociological analysis of "Panchayat" in rural Punjab, Pakistan. *Journal of the Punjab University Historical Society*, 32(1), 153-161.
- Singh, S. (2017). Honour killings in India: Need for a composite and strict legal framework. *International Journal of Interdisciplinary and Multidisciplinary Studies (IJIMS)*, 4(3), 62-78. DOI:10.1000/IJLMH.114514
- Singhal, V. (2014). *Honour killing in India: An assessment*. Indian Council for Social Science Research (IC-SSR).
- Yamin, K. (2019). A sociological perspective of honour killing in India. *International Journal of Engineering and Management Research*, 9(6), 128-132. <https://doi.org/10.31033/ijemr.9.6.21>
- Zaumot, J. (2014). *Honour crimes in middle east*. Capstone Project.
- Health*, 19(2), 193-7. DOI: 10.1093/eurpub/ckp021.
- Neuman, L. (2006). *Social research methods: Quantitative and qualitative approaches*. Allyn and Bacon.
- Rao, S., & Perry, C. (2003). Convergent interviewing to build a theory in under-researched areas: principles and an example investigation of Internet usage in inter-firm relationships. *Qualitative Market Research: An International Journal*, 6(4), 236-247. <https://doi.org/10.1108/13522750310495328>
- Riahi, M. E., & Esmaili, V. (2018). A sociological study of attitudes towards honor killing among residents of marivan. *Journal of Iranian Social Studies*, 12(3), 52-79. [In Persian]
- Ritzer, J. (2012). *Sociological theories in the contemporary era*. translated by Mohsen Salasi, Scientific Publications, 16th edition. [In Persian].
- Russell, D., & Radford, G. (1992). *Femicide: The politics of woman killing*. Twayne Publishers.
- Saber, M. (2016). Investigating the factors of honor killings in 2013 (Case Study of Ilam city). *Journal of Ilam Police Science*, 6(22), 23-41. [In Persian].
- Sadeghifasae, S. (2014). A sociological analysis of homicide: identifying risk factors. *Iranian Journal of Social Problems*, 15(2), 191-218. [In Persian]
- Salmanpour Sohi, A., Aarabi, S. M., Pourezzat, A. A., & Aghaei, M. (2021). Conceptualizing the nature of strategic execution to organizational strategies

